

# تئوری های نسبیت \*

## چگونه شکنجه کنیم و از عوارض آن رهایی یابیم

تا چند هفته پیش سوال این بود که آیا اعمال شکنجه در زندان ابوغریب بغداد کار تعدادی سرباز جدا از سیستم و بدون ارتباط با مقامات و غیرارادی است، یا این که مسئولیت این کار ابعاد وسیع تری دارد و آنها از مقامات بالا دستور می گیرند. این سوال همچنان در اذهان برجای مانده است.

هفته ای طولانی از تشییع جنازه در واشنگتن، افشاگری های کرکننده ای صورت گرفت و مقامات بالای پنتاگون و وزارت دادگستری، پیش نویس گزارش هایی را تهیه کردند که مقرر می داشت چگونه خارج از قوانین بین المللی معمول شکنجه را توجیه عقلانی کنند. اسناد این توجیه شکنجه در تاریخ آگوست ۲۰۰۲، به پرزیدنت بوش و در مارس ۲۰۰۳، به وزیر دفاع، دونالد رامسفلد، ارائه شد. قسمت هایی از این گزارش به مطبوعات درز کرد. آقای جان اشکرافت، بالاترین مقام دادگستری امریکا، علی رغم درخواست کنگره از وی، به اعضای کنگره گفت که همه گزارش را آشکار نخواهد کرد، بدون این که جزییات اجرایی این کار را برشمارد. او به قانونی که این سند را کنار بزند و آن را نادیده بگیرد، اشاره ای نکرد، و فقط گفت که آنها را

آشکار نخواهد کرد. با وجود این که یکی از سناتورها به اشکرافت گفت که "این توهین به کنگره است، کنگره روی موضوع پافشاری نکرد. بنابراین امکان نداشت که به طور کامل آن را ارزیابی کنند تا بدانند که جزو اسناد داخلی است یا از لفاظی های حقوقدانان می باشد. همان طور که اشکرافت ادعا دارد آنها اسناد داخلی بودند یا پوشش قانونی برای رویه های جاری اعمال شکنجه. نیازی به بررسی های بیشتر نیست، چرا که شواهد و اسناد خود گواهی می دهند. در افشاگری آن اسناد، وقتی که پای بوش و رامسفلد به میان آمد، آنچه برای هفته ها، مورد شک و تردید بود که مقامات بالا از قضیه اطلاع ندارند را به هم ریخت؛ منظور هفته هایی است که به ظاهر دولت نمی دانست در زندان های نظامی از گوانتانامو گرفته تا قندهار چه می گذرد، ولی آن را محکوم می کرد.

می توان گفت که دستور رسمی برای شکنجه داده شده بود، ولی دست کم نسبت به آن چشم پوشی و توجیه شده بود. حتی بدون هفته ها افشاگری، برای افکار عمومی بدیهی شده بود که این شکنجه ها یک اشتباه

سیستماتیک در حال جریان بود و کار غیرارادی چندن سرباز نبود، اما بی تردید سیستمی که در درون آن این رویه ها جاری است، خطا و اشتباه است. سال گذشته به صلیب سرخ گفته شد که "تحقیق و توهین زندانیان، بخشی از فرایند اطلاعات نظامی ارتش است." ژنرال ریکاردو سانچز که تا چندی پیش فرمانده نیروهای امریکایی در عراق بود، سربل های راهنمایی را صادر کرده بود که تکنیک های شکنجه مجاز در آن طراحی شده بود. (نه شکنجه ای که توسط سازمان ملل طراحی شده، بلکه آن چیزی که به وسیله پنتاگون تعیین شده است.) تکنیک های شکنجه، از جمله آنهایی که به مظنونین تروریست در زندان های ارتش امریکا و زندان هایی که توسط امریکا در افغانستان اداره می شود، اعمال می گردد. سازمان عفو بین الملل هم مواردی از اعمال شکنجه و ارتکاب قتل را ماه ها پیش از رسوایی ابوغریب گزارش داده بود.

طبیعی است اشکرافت این مطلب را رد کند که شرارت های یاد شده، نتیجه مستقیم "ماهیت آن چیزی است که رئیس جمهور یا وزارت دادگستری



جان اشکرافت

انجام داده است." با این وجود از مجموعه این گزارش‌ها یک نتیجه حاصل می‌شود؛ آنچه که دولت دستور نداده است، چشم‌پوشی‌هایی انجام گرفته و آنچه که نسبت به آن اغماض شده، به هیچ وجه قابل توجیه نیست و سابقه‌ای نیز در این مورد وجود نداشته است، به طوری که حاکمیت چیزی خاصی را اختراع کرده و بدعت گذاشته



است. کنوانسیون سازمان ملل علیه شکنجه، که مورد تصویب آمریکا در سال ۱۹۹۴ قرار گرفت، در این مورد روشن و صریح است. این کنوانسیون، شکنجه را این گونه تعریف می‌کند: هرگونه درد و رنج شدید - چه فیزیکی و چه جسمی و روحی - که آگاهانه به

یک شخص اعمال می‌شود، به منظور اعتراف و یا کسب اطلاعات یا اجبار و تهدید. "هیچ شرایط استثنایی هم وجود ندارد، چه در شرایط جنگی یا حالت جنگی یا شرایط تهدید و بی‌ثباتی داخلی یا ضرورت اجتماعی. این موارد همگی ممکن است بهانه شکنجه باشد که مطلقاً جایز نیست." این کنوانسیون همچنین تسلیم افراد را به دولت‌هایی که شکنجه در آن توسط بازپرس‌ها اعمال می‌شود، ممنوع می‌کند. هیچ گونه استثنایی، برای شکنجه دور از ساحل (تبعید به جزیره) نسبت به هر کشوری "یا مناطقی که زیر نظر حوزه قضایی آن قرار دارد یا بر روی کشتی" مجاز شمرده نمی‌شود. دولت بوش تمامی این پیمان‌ها را زیر پا گذارده است. موضع اخلاقی مقامات آمریکایی در عراق و در چشم جهانیان به جهت یک رشته فریب‌های مربوط به عراق آسیب جدی دیده است. به طوری که ساده کردن قضایا، بیانیه‌ها و دروغ‌های خلاف واقع که پیش از رسوایی شکجه مطرح می‌شد، همگی در هم فروریخت. تصاویری که از هرم‌هایی که از زندانیان لخت و غور ابوغریب که به سیم‌های برق متصل بودند، تهیه شده بود، این موضوع را به اذهان منبأدر می‌ساخت که آمریکا راه خود را در عراق گم کرده است. روز سه‌شنبه اشکرافت پذیرفت که حس پاسخگویی، همانند فهم دولت‌ها از قانون، امری نسبی است.

این مقاله در نشانی زیر قابل دسترسی است:

<http://www.News-Journalonline.com>

## مصاحبه Znet با آرونداتی

روی درباره کتاب سخن از جنگ آرونداتی روی در گفت‌وگویی که با Znet و به مناسبت انتشار کتاب جدید خود با عنوان "سخن از جنگ" (War talk) انجام داد، وقایعی چون کشتار مسلمانان در گوجرات (هندوستان) را ناشی از ارائه تصویر شیطانی از مسلمانان در آمریکا پس از ۱۱ سپتامبر دانست.

منظور من تنها اشاره به این مطلب نیست که زباله‌های رادیواکتیو از خرابه‌های مرکز تجارت جهانی به گوجرات ریخته شد، بلکه افزون بر آن، یک اپیدئولوژی مسموم در "جنگ علیه تروریسم" سربرآورد و دولت بوش نفرتی عمیق را علیه جهان اسلام به وجود آورد. احساسات ضداسلامی توجیه شد و مشروعیت پیدا کرد.

من درصدد توضیح این نکته هستم که "امپراتوری" یا از طریق درهم شکستن یک کشور به سبک آرژانتین گسترش می‌یابد یا از طریق درهم شکستن آن به سبک عراق یا افغانستان. به عبارت دیگر، وسیله درهم کوبیدن کشورها می‌تواند "بدهی" آنها باشد و یا موشک‌های کروزر. اما نیرویی که این فرایند را به حرکت درمی‌آورد یکسان است. جهنم به اندازه خوارکردن اقتصاد یک کشور مصیبت‌بار نیست.

منبع: Znet، ۲۴ می ۲۰۰۳  
(۳ خرداد ۱۳۸۲)

## محافظه کاران جدید و نیرومندترین سلاح پنهان آنها

محافظه کاران جدید تصمیم گرفته‌اند برای تشدید درگیری‌ها از برنامه‌های مشابه جنگ عراق استفاده کنند تا مخالفان آمریکایی و بین‌المللی خود را

با استناد به بهانه آغاز جنگ، یعنی سلاح‌های کشتار جمعی، ساکت نمایند. حملات تروریستی ۱۱ سپتامبر که برج‌های مرکز تجارت جهانی در نیویورک را فروریخت و به قلب قدرت در پنتاگون ضربه زد، تنها خاطره‌ای است که همواره در ذهن مردم آمریکا باقی می‌ماند و احساسات آنها را برای انتقام‌جویی تحریک می‌کند. جنگ افغانستان تنها به یک خاطره کم‌رنگ در حافظه مردم آمریکا مبدل شده و به همراه آن، تمام هیاهوی مربوط به خفقان رژیم طالبان و سرنوشت آن هم به بایگانی حافظه سپرده شده است. البته القاعده هنوز در حافظه‌ها باقی است، چون به‌طور مستقیم به حملات ۱۱ سپتامبر ارتباط دارد؛ اما توجه به سرنوشت اسامه بن لادن فقط یک کنجکاو می‌گذرد.

امریکایی‌ها از شنیدن داستان افغانستان خسته شده‌اند و آن را به دست فراموشی سپرده‌اند، درست به همان ترتیب که محافظه‌کاران جدید از آنان می‌خواهند از داستان عراق هم خسته شوند و دیگر وقایع مربوط به آن را پیگیری نکنند. این کار مستلزم منحرف‌ساختن اذهان عمومی از طریق یک استراتژی دقیق است که از احتمال هرگونه پرسش اساسی در مورد خطرات موجود برای آمریکا در عراق و مشکلات ناشی از شروع عمده‌ی یک جنگ براساس اطلاعات مخدوش، جلوگیری به‌عمل آورد.

نکته مهمی که از جنگ عراق در حافظه مردم آمریکا باقی می‌ماند، "پیروزی" آنها علیه عراق و در جنگ علیه تروریسم است. به همین دلیل است که پیروزی این‌قدر سریع به‌دست آمد، ولی جنگ هنوز ادامه دارد. محافظه‌کاران جدید می‌خواهند به

ایران دست یابند، حکومت سوریه را تغییر دهند و ناآرامی‌هایی را در عربستان سعودی با هدف تجزیه آن کشور به‌وجود آورند. در عین حال، آنها می‌خواهند مصر را نیز کاملاً رام نمایند و نفت اعراب را در دستان شرکت‌های امریکایی قرار دهند و اوپک را نیز وادار به پذیرش این حقیقت نمایند.

به اعتقاد آنها، اسرائیل باید در ایجاد سلطه انحصاری آمریکا، شریک این کشور باشد و به‌عنوان تنها قدرت هسته‌ای برخوردار از سلاح‌های کشتار جمعی در منطقه باقی بماند، بدون آن‌که در این خصوص مورد سوال قرار بگیرد. ممکن است محافظه‌کاران جدید، گروهی از افراد رادیکال به نظر برسند اما در دولت

فرصتی برای پیدا کردن شرکای جدید تلقی می‌نمایند. نکته مهم، آگاهی پیدا کردن از ماهیت واقعی و اهداف محافظه‌کاران جدید است. فقط در این صورت می‌توان با اهداف آنان مقابله نمود و نیرومندترین اسلحه مخفی آنان - یعنی سلطه بر افکار عمومی - را خنثی کرد.

منبع: الحیات، ۱۱ ژوئیه ۲۰۰۳  
(۲۰ تیر ۱۳۸۲)  
نویسنده: رقیدا درقم

### گذشته پر اشتباه شما در منطقه

تا زمانی که غرب به ندای مردم خاورمیانه گوش فراندند، آینده تاریک است.



کنونی آمریکا بسیار قدرتمند هستند. برخی از حکام منطقه و رهبران عرب بدون پرسش، تسلیم خواست‌های آمریکا خواهند شد، چون هدف اصلی آنها بقای در قدرت است. گروهی دیگر میل به اعتراض دارند، ولی از تنهاماندن می‌ترسند و بالاخره گروهی از آنها نیز وضعیت به‌وجود آمده را

مردم منطقه ما اکنون واژه "دموکراسی" را مترادف عطش غرب برای نفت و مداخلات مکرر آنها در امور داخلی ما می‌دانند. از نظر آنها این مطلب کاملاً روشن است که غرب در پی ایجاد دموکراسی در خاورمیانه نیست. تاریخ منطقه به آنها می‌گوید که جنبش‌های مردمی برای ایجاد

دموکراسی، همگی توسط غرب سرکوب شده‌اند.

تاریخ نشان می‌دهد که غرب در مقابل دموکراسی در ایران ایستاد و زمانی هم از رژیم دیکتاتوری صدام حمایت نمود. علت این امر، هراس غرب از قدرت گرفتن دولت‌های دموکراتیک و اثر "دومینیوی" آن در منطقه بود.

در سال ۱۹۵۳، ایالات متحده به [انگلیس در] سازماندهی کودتا برای سرنگونی نخست‌وزیر مردمی ایران، محمد مصدق کمک کرد. آمریکا در سال‌های بعد عراق را تشویق نمود که به جنگ ایران برود و سلاح‌های پیچیده متعارف و غیرمتعارف در اختیار عراق قرار داد. (البته به‌جز سلاح‌های هسته‌ای که می‌بایست منحصرأ در اختیار اسرائیل قرار می‌گرفت.) اگر دست‌کم سه شرط رعایت نشود آینده همچنان تاریک و پرابهام خواهد بود.

۱. مردم منطقه باید مورد توجه قرار گیرند.
۲. باید به حرف آنها گوش داده شود، نه این‌که از دور برای آنها نسخه بپیچند.
۳. تمام دولت‌هایی که مشروعیت آنها از مردم گرفته شده، باید حمایت شوند.

منبع: گاردین، ۱۴ آوریل ۲۰۰۴

نویسنده: محمد اسکندری (وابسته مطبوعاتی سفارت ایران در لندن)

**دموکراسی عراق را به عقب نیندازید**  
استدلال محافظه‌کاران جدید آمریکا برای توجیه اقدام نظامی علیه صدام آن بود که فقط مداخله خارجی می‌تواند ملت عراق را از بی‌و وحشی‌گری رژیم صدام و مشقات ناشی از مجازات‌های بین‌المللی نجات دهد. محافظه‌کاران جدید ادعا می‌کردند که پس از سقوط

صدام، عراق می‌تواند با ایجاد یک دموکراسی باثبات، به الگویی برای منطقه خاورمیانه مبدل شود.

دموکراسی در همه جای جهان گسترش یافته مگر در خاورمیانه. در صورتی که دموکراسی در این منطقه ریشه ننداند، خاورمیانه همچنان محل تنش‌های خونین برای توده‌های رنج‌کشیده جهان عرب و ایران و منشأ تهدید علیه عرضه باثبات نفت و بالاخره مرکز تأمین تروریست‌های آماده برای کشتار غیرنظامیان در غرب باقی خواهد ماند. جهانی شدن بدان معناست که هریک از کشورهای جهان اکنون تحت‌تأثیر هنجارهای آمریکایی قرار دارد. اما آنچه ما نیاز داریم یک نظم جهانی همگون و هماهنگ است، نه یکسان و یک شکل. بهترین روش ساختن دموکراسی، ایجاد آن از پایین به بالاست، یعنی از جایی که محرومان و ستمدیدگان برای دفاع از منافع جمعی خود در سطح یک برنامه‌ریزی ملی بدان احتیاج دارند.

دولت ایالات متحده هنوز در دوران جنگ سرد به سر می‌برد. اولویت این دولت باید حمایت از رشد جامعه مدنی در عراق باشد. از لوازم این جامعه مدنی، شکل‌گیری جنبش‌های سندیکایی فعال و مشارکت‌دادن زنان در همه زمینه‌های تصمیم‌گیری است. مردم خاورمیانه خاطرات زیادی از دوران طولانی سلطه استعمار کهن و استعمار نو توسط دولت‌های غربی در ذهن دارند. به‌عنوان نمونه، همین پنجاه سال پیش بود که این قدرت‌ها برای سرنگونی دولتی که در ایران نفت را ملی اعلام کرده بود دست به توطئه‌پردازی زدند. این توطئه موجب بازگشت قدرت به شاه ایران شد که سرکوبگری‌های وی، زمینه شکل گرفتن

حکومتی اسلامی را فراهم ساخت. این واقعه مربوط به دوران جنگ سرد است که طی آن، کشورهای همچون ایران به منظور منزوی‌ساختن اتحاد شوروی، مورد حمایت غرب قرار می‌گرفتند. هنگامی که ایران به دشمن آمریکا مبدل شد، محبت غرب به سمت یکی دیگر از جنگ‌افروزان منطقه یعنی صدام حسین جلب گردید. جنای از منافع بارز شرکت‌های تجاری آمریکایی، اسمی که برای این بازی برگزیده شد چنین بود: "دشمن دشمن ما دوست ماست." و این بازی هیچ ربطی به حقوق بشر نداشت. امروز به نظر می‌رسد که آمریکایی‌ها آواز متفاوتی را سر داده‌اند.

منبع: آبزور، ۱۳ ژوئیه ۲۰۰۳

(۲۲ تیر ۱۳۸۲)

نویسنده: هاری بارنز (نماینده حزب کارگر در مجلس انگلستان)

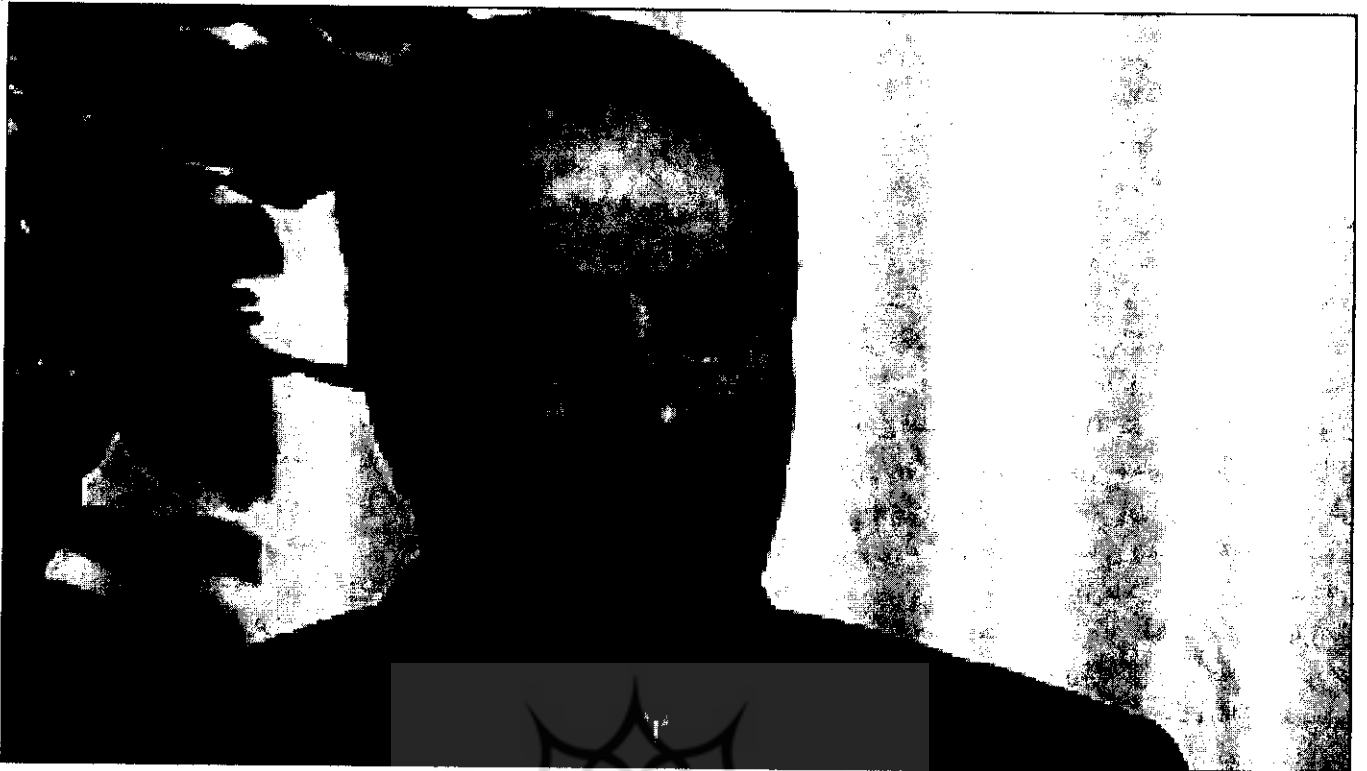
### اسکلت‌های داخل گنجه

از ابتدای ریاست‌جمهوری صدام حسین در سال ۱۹۷۹، کوچک‌ترین تردیدی در مورد ماهیت بی‌رحمانه حکومت وی وجود نداشت. دیگر دولت‌ها می‌دانستند که این دیوانه مال‌خولیایی دشمنان سیاسی خود را بدون هیچ تأملی مورد شکنجه قرار می‌داد و به قتل می‌رساند. ظرف یک‌سال، او جنگ بی‌دلیلی را علیه همسایه خود ایران به راه انداخت. با این حال، ظرف دهه بعد از آن، وی به صورت مستمر قدرت هولناک خود را با کمک فراوان کشورهای خارجی تحکیم نمود. در طول دهه ۸۰، یکی از بهترین دوستان صدام در جهان، ایالات متحده بود. دولت رونالد ریگان و جورج بوش پدر در سال ۱۹۸۱

سیاست خود را از دشمنی با عراق به سرعت به سمت حمایت روزافزون از آن کشور تغییر داد. ریگان، صدام را متحد آمریکا در مقابل با ایران شدیداً ضدآمریکایی محسوب می‌نمود و بدین ترتیب، در جنگ ایران و عراق، اعضای دولت ریگان به‌طور مخفیانه اصرار می‌کردند که ایالات متحده هر کاری می‌تواند برای جلوگیری از شکست احتمالی صدام انجام دهد. جو استورک (Joe Stork) مسئول پرونده عراق در سازمان دیده‌بان حقوق بشر در واشنگتن است. او می‌گوید: "ایالات متحده در دوران ریاست‌جمهوری ریگان اصلاً علاقه‌ای نداشت که ایران در جنگ برنده شود. البته احتمالاً پیروزی عراق هم چندان برای آنها موجب خوشحالی نمی‌شد، ولی می‌خواستند مطمئن شوند که عراق بازنده نخواهد بود."

پرونده‌های عظیم جنایات صدام نشان می‌دهد که وی از ابتدای دهه ۸۰ از گازهای سمی استفاده می‌نمود، یعنی درست در همان زمانی که ریگان در دو نوبت رامسفلد را به‌عنوان فرستاده ویژه نزد صدام فرستاد تا به وی اطمینان دهد که آمریکا به بهبودی روابط با وی علاقه‌مند است. واشنگتن نه تنها اقدامات غیرقانونی صدام را نادیده گرفت، بلکه هرگونه اقدامات در سازمان ملل متحد برای محکومیت استفاده از سلاح‌های شیمیایی توسط عراق را نیز وتو کرد.

فهرست قسمتی از کمک‌های مستقیم ایالات متحده به صدام شامل اقلامی است همچون اطلاعات ماهواره‌ای، کامپیوترهای پیشرفته و تجهیزات سیستم‌های تسلیحاتی، تجهیزات برنامه تولید موشک‌های اسکاد عراق و ۸۰ محموله مواد مورد استفاده در سلاح‌های میکروبی که می‌توانستند



احمد چلبی

بدون اطلاع امریکا برای ساخت سلاح‌های میکروبی جنگی مورد استفاده قرار بگیرد. امریکا و کشورهای اروپایی با خودداری از برملا کردن جنایات صدام از قبیل کشتار ۵۰۰۰ غیرنظامی با سلاح‌های شیمیایی در حلبچه به سال ۱۹۸۸، به نوعی با وی در سرپوش گذاشتن روی مسائل همکاری کردند. این جنایات برای همگان شناخته شده بود ولی آن را نادیده می‌گرفتند.

هم‌اکنون، سازمان دیده‌بان حقوق بشر با احتیاط کامل چنین گمانه‌زنی می‌کند که صدام ۳۰۰/۰۰۰ تن از مردم کشور خود را به قتل رسانده است. قسمت اعظم این کشتارها زمانی انجام شد که دولت‌های غربی در آن کشور مشغول فعالیت بودند.

اسکلت‌های زیادی در گنجه صدام پنهان شده و البته همه آنها متعلق به مردم عراق نیست. پیش از آن‌که وی با حمله به ایران توجه دنیا را به خود جلب کند، امکان افزایش قدرت و

حکومت خودکامه وی در نتیجه سیاست قدرت و طمعکاری کشورهای خارجی هموار گردید. همان‌طور که بارها در تاریخ اتفاق افتاده، همه کشورهای خارجی تصور می‌کردند که می‌توانند بدون آلوده شدن، با دیکتاتور معامله کنند، ولی خیلی دیر فهمیدند که هرگز چنین چیزی ممکن نیست.

منبع: سی.بی.سی ۱۶ دسامبر ۲۰۰۳ نویسنده: برایان استوارت

### بهره‌برداری ایران از وجود چلبی برای کشاندن امریکا به عراق؟!

گفته می‌شود چلبی و یارانش متهم شده‌اند که به تهران اطلاع داده‌اند امریکا رمز ارتباطی تشکیلات اطلاعاتی-امنیتی ایران را گشوده است، که در صورت صحت، شاخص‌ترین ماجرای جاسوسی بعد از ۱۹۴۰ به حساب می‌آید؛ نویسنده می‌گوید که اگر داد و ستد اطلاعاتی میان ایران و چلبی

یکطرفه بوده باشد، آنگاه تکلیف چیست؟ - این امر مسلم شده که اطلاعات داده شده از جانب چلبی به امریکا پیش از حمله امریکا به عراق در ۳ مورد عمده نادرست بوده است:

الف) سلاح‌های کشتار جمعی عراق (ب) استقبال مردم عراق از امریکا (ج) گذار سریع و آسان سیاسی عراق بعد از سقوط صدام حسین.

نویسنده معتقد است که: "عقل متعارف ایجاب می‌کند این اطلاع‌رسانی از طراحی‌های خود چلبی باشد، ولی در صورتی که این اطلاع‌رسانی از کانال ایران به امریکا بوده باشد تا ایران از حمله امریکا به عراق بیشترین استفاده را ببرد، چه باید کرد؟"

کارپنتر می‌افزاید که ایران با انگیزه‌های زیر می‌تواند طراح این اطلاع‌رسانی باشد:

الف) ایرانیان، صدام را نه تنها رقیب، بلکه دشمن منفور خود می‌دانستند که در طی ۸ سال جنگ با

حملات سنگین شیمیایی و موشکی، ایران را به ویرانه‌ای بدل کرد و لذا سرنگونی صدام کاملاً در راستای منافع ایرانیان بوده است.

ب) پتانسیل نظامی عراق، تنها رقیب و مانع ایران در منطقه خلیج فارس به‌شمار می‌رفت و لذا انحلال ارتش عراق که چلبی به آن اصرار می‌ورزید می‌تواند در راستای منافع ایران باشد.

ج) گرفتار کردن امریکا در باتلاق عراق می‌تواند حساسیت امریکا را نسبت به تلاش‌های اتمی ایران کاهش دهد و احتمال اقدام نظامی علیه ایران خنثی شود.

د) طرح "خاورمیانه بزرگ" بوش همراه با تغییر جغرافیا و رژیم‌های منطقه فروکش می‌کند.

بنابراین مصلحت امریکا در این است که کنگره، به اقدامی کمتر از یک تحقیق جدی برای ریشه‌یابی این امر، تن ندهد.

منبع: میامی هرالده، ۱۹ ژوئن ۲۰۰۴  
(۳۰ خرداد ۱۳۸۳)  
نویسنده: تد گلین کارپنتر

### عروسک خیمه شب بازی بی اعتبار شده امریکا

نیروهای امریکایی خانه چلبی را جست و جو کردند و صندوق هایی از اسناد و مدارک و رایانه او را با خود بردند. این عضو شورای حکومتی عراق، در حالی که از این موضوع چیزی درک نمی کرد، گفت: "من هنوز بهترین دوست امریکا هستم."

چلبی پنتاگون را متقاعد کرده بود که جنگ عراق می تواند یک گردش تفریحی باشد و عراقی ها به سوی امریکایی ها گل سرخ پرتاب خواهند کرد.

تا هفته گذشته پنتاگون ماهانه مبلغ ۳۵۵ هزار دلار را به حساب چلبی جهت ارائه اطلاعات می پرداخت.

گفته می شود چلبی اخیراً کوشیده بود با لحنی انتقادی علیه اشغال عراق، اعتباری برای خود دست و پا کند. اما پیامد این امر برایش ویرانی به بار آورد؛ همان دستنی که زمانی او را خوراک می داد، پس کشیده شد و عراقی ها هم هنوز یک کلمه از سخنان او را باور ندارند.

منبع: تاگس ساینونگ، ۲۲ می ۲۰۰۴  
(۲ خرداد ۱۳۸۳)

نویسنده: کریم الجوهری

معتقد است که چلبی مدت ها با ایرانیان رابطه نزدیکی داشته و پنتاگون از کنار این رابطه بی تفاوت گذشته است.

در سال ۱۹۹۵ سیا به کمک مأمور خود "باثر" سندی را جعل می کند، مبنی بر این که امریکا قصد دارد صدام حسین را ترور کند. این درحالی بود که براساس قوانین ایالات متحده، ترور رهبران سیاسی در زمان صلح ممنوع بود، بنابراین نشان از جعلی بودن سند دارد. آن سند را در اختیار چلبی می گذارند و او نیز سند را به ایرانیان می دهد تا حمایتی را از سوی آنها جلب کند و وی را نیز در جبهه مبارزه علیه صدام حسین قرار دهند. پنتاگون و سیا از رابطه و ارائه سند یادشده توسط چلبی به ایرانیان باخبر بودند، اما هیچ گونه واکنشی از خود نشان ندادند. در ابتدای جنگ علیه عراق نیز او را دوست و شریک خود برای حمله می دانستند و باز هم بدون آن که در نظر داشته باشند که چلبی مدت هاست در زیر چتر حمایتی ایرانیان قرار دارد و امروز چلبی جواب آن همه اعتماد و بی توجهی سیا و پنتاگون نسبت به خودش را با لودادن اطلاعات فوق سری می دهد.

منبع: گاردین، ۵ ژوئن ۲۰۰۴  
(۱۶ خرداد ۱۳۸۳)

نویسنده: جولیان بورگر

### امریکا، عراقی محبوب خود را طرد می کند

پس از حمله دقیقاً صد تن از افراد ارتش امریکا، پلیس عراق و تنی چند از مأموران اف.بی.آی و سیا به منزل احمد چلبی عضو کنگره ملی عراق در بغداد "INC"، نشریه نیویورک تایمز، نوشت: "فقط تصویری از ویرانی دیده

می شد؛ درهای خردشده، میلمان درهم ریخته و تابلوهای شکسته و پاره شده چلبی - رئیس INC - دیده می شد. این تفتیشی همراه با ویرانی به خوبی نشان داد که فرد محبوب دولت امریکا در خلال سال اول عراق بعد از جنگ، چگونه سقوط کرده است!"

یک قاضی عراقی پیشتر چندین حکم بازداشت علیه چلبی صادر کرده است. در اتهام او چنین آمده است که این سیاستمدار مانع بررسی و پیگیری در زمینه فساد تحت لوای "برنامه نفت در قبال غذا" از سوی سازمان ملل متحد شده است.

آمارگیری ها نشان می دهند که هیچ سیاستمداری به اندازه چلبی در عراق با بی اعتمادی مردم روبه رو نبوده است. هنگامی که مدارکی منتشر شد دال بر این که زرادخانه صدام دارای سلاح های کشتار جمعی نیست، دیگر وی از اعتبار چندانی برخوردار نبود، بنابراین در پنتاگون هم خشم شدیدی علیه این متحد پدید آمد.

چلبی در مقابل بی میلی واشنگتن نسبت به خود چنین واکنش نشان داد و گفت که به دنبال دوستان جدیدی خواهد بود. او به صورت گسترده ای در جست و جوی تماس با دیگر شیعیان در شورای حکومتی است و به اتفاق آنها در اوایل ماه مارس، مدتی از امضای قانون اساسی موقت امتناع ورزید، زیرا این قانون مورد موافقت دو آیت الله بزرگ در نجف واقع نشده بود.

منبع: اشپیکل، ۲۳ می ۲۰۰۴  
(۳ خرداد ۱۳۸۳)  
نویسنده: دومینیک باوئر

احمد چلبی؛ چه کسی ابزاری در دست دیگری است... او یا آنها؟ شبکه امریکایی "سی.بی.اس" در بیستم ماه جاری گزارش داد که دفتر

ضد جاسوسی می خواهد بدانند چه کسی اطلاعات امنیتی سری را در اختیار چلبی قرار داده و او نیز این اطلاعات را به ایران انتقال داده است. به گفته این شبکه، اطلاعات یادشده به قدری حساس است که چنانچه برملا شود، ممکن است جان امریکایی ها در معرض خطر قرار گیرد.

در هفدهم ماه جاری (۲۸ اردیبهشت ۱۳۸۳) چلبی خبر تشکیل یک "شورای شیعی سیاسی" مستقل از حوزه را که ریاست آن برعهده آیت الله علی سیستانی است اعلام کرد. یکی از گزارش ها در مورد سلاح های هسته ای در عراق آن چنان توجه بازرسان سازمان ملل را به خود جلب کرد که آنها می گفتند حتماً ایران در تهیه این گزارش او را یاری کرده است. اما پس از جنگ هیچ نوع سلاح کشتار جمعی به دست نیامد، دیگر این که تا امروز بیشترین بهره از تجاوز امریکا به عراق را، ایرانی ها و شیعیان عراق برده اند.

اگر به ماجرای فروپاشی بانک البتراء که چلبی در سال ۱۹۷۸ در عمان، پایتخت اردن تأسیس کرد و این بانک در سال ۱۹۸۹ و در پی متهم شدن او از سوی دولت اردن به تقلب از هم باشید مراجعه کنیم، قطعاً به یاد می آوریم که آنچه در آن تاریخ درباره علل فروپاشی بانک در عراق و اردن و حتی اسرائیل شایع شد، این بود که چلبی ماشین جنگی ایران را در زمان جنگ بین ایران و عراق تأمین مالی می کرد.

چلبی توانسته بود با کمک مالی امریکا یک دستگاه فرستنده در خاک ایران برای پخش برنامه هایی به داخل عراق نصب کند. در حال حاضر، به نظر می رسد که واشنگتن از راهبرد حمایت از آیت الله سیستانی دست برداشته است.

### ماجرای احمد چلبی

مایکل لدین - نظریه پرداز محافظه کاران جدید و از طراحان اصلی جنگ - می گوید: "این روزها برچسب‌هایی همچون "دیوانه"، "نیرنگ‌باز" و شاید توهین آمیزتر به احمد چلبی و هوادارانش زده می‌شود، ولی من به عنوان یک دوست از او دفاع می‌کنم."

مضمون اطلاعات فوق سری که لو رفته است این می‌باشد که آمریکا کلید رمز پیام‌های بغداد - تهران را کشف کرده و گفته می‌شود این مطلب را احمد چلبی از یک مأمور امنیتی آمریکایی که در حالت مستی بوده شنیده است. مایکل لدین می‌افزاید: "مگر اف.بی.آی احمد چلبی را با شدیدترین آزمایش‌های دروغ‌سنجی نیازموند؟ آن‌گاه وی در نقد اف.بی.آی می‌گوید: "آنها به جای آن‌که در بغداد و در کافه‌هایش به دنبال متهم بگردند، در واشنگتن و در پنتاگون به دنبال متهم هستند. وی در نقد CIA هم می‌گوید آنها نه اطلاعات درستی از کودتاهای عراق دادند و نه از سلاح‌های کشتار جمعی آن."

لدین می‌گوید: "اگر رابطه با ایران مذموم است که عبدالعزیز حکیم، مسعود بارزانی، جلال طالبانی، ابراهیم جعفری که مورد لطف و عنایت ما هستند وابستگی‌های شدیدتر اطلاعاتی - امنیتی و مالی به ایران داشته و دارند. سپاه بدر نیز تربیت یافته ایران است." وی ادامه می‌دهد: "ما [آمریکا] با روحانیون ایران هم بسیار مدارا کردیم. نکته دیگر این است که ایرانیان در کار اطلاعاتی خود حرفه‌ای عمل می‌کنند."

مخبره پیام لورفتن رمز، آن هم توسط همان رمز لورفته، یک نوع کار حرفه‌ای اطلاعاتی آگاهانه بود و برای این بود که قصد داشتند دوست ما چلبی را از آمریکا و پنتاگون جدا کنند، درحالی‌که چلبی در جنگ کمک‌های خوبی به آمریکا کرده و چنانچه ژنرال مایرز گفت "او بسیاری از آمریکاییان را نجات داد." لدین می‌گوید "من تنها کسی هستم که رابطه عراقی‌ها را با ایرانیان اتهام تلقی نمی‌کنم. همه عراقی‌های معارض با صدام رابطه نزدیکی با مقامات اطلاعاتی ایران داشتند. راه درست این است که رژیم ایران را که به سرعت به سمت اتمی شدن می‌رود سرنگون کنیم؛ خطر اینجاست."

منبع: نشنال ریویو، ۲۸ می ۲۰۰۴  
(۸ خرداد ۱۳۸۳)

نویسنده: مایکل لدین

### با جان گری نیز راه خود را دنبال می‌کنیم

گفت‌وگو با ژنرال پرل (معاون وزارت دفاع آمریکا و از طراحان جنگ در پنتاگون)

ژنرال پرل از احمد چلبی دفاع جانانه‌ای می‌کند و معتقد است که حمله به منزل و دفتر او در عراق، ابلهانه و کوتاه‌بینانه بود، زیرا که به گوش همه جهان می‌رسد. که به آمریکایی‌ها نمی‌توان اعتماد کرد و به عبارتی دیگر "امروز با تو همکاری کنیم، ولی فردا کنارت گذاریم." وی اشتباه آمریکایی‌ها را در عراق این می‌داند که فکر نمی‌کردند برقراری ثبات و امنیت پس از حمله عراق این اندازه زمان ببرد و اشتباه فاحش آقای پل برمر - حاکم آمریکایی عراق - این

بود که قدرت را به سرعت به عراقی‌ها منتقل نکرد و اعتماد مردم عراق نسبت به ما از دست رفت. ژنرال پرل می‌افزاید: "شکست واقعی ما، فقدان حس احترام نسبت به عراقی‌ها بود. با آنها به گونه‌ای رفتار شد که گویا از حکومت کردن بر خود ناتوان هستند و این رفتاری گستاخانه بود." او در پاسخ پرسشگر دی‌سایت می‌گوید: "اگر آمریکا باور کند که در این جنگ شکست خورده و به لاک خود برود، دنیا زشت خواهد شد و همه‌جا را تهاجم و حمله و... فرامی‌گیرد." پرل می‌افزاید: "ما به جنگ ادامه خواهیم داد. حتی اگر جان گری به ریاست جمهوری آمریکا انتخاب شود، ما از عراق عقب‌نشینی نخواهیم کرد."

یوزف یوفه در گفت‌وگو با ژنرال پرل این پرسش را مطرح می‌کند که: اینها دقیقاً سخنانی هستند که پل و لوفویترز در پیشگاه کمیسیون خارجی سنا به کار برده بود: "ما غلط محاسبه کرده‌ایم. ما منتظر مناسبات تثبیت یافته‌تری از امنیت بودیم... آیا این اعلام ورشکستگی از سوی کسانی نیست که جنگ را طراحی کرده‌اند؟ ژنرال پرل از پاسخ‌دادن به این پرسش طفره رفت."

منبع: دی‌سایت، ۲۷ می ۲۰۰۴  
(۷ خرداد ۱۳۸۳)

نویسنده: یوزف یوفه

### سخنان پرشور بوش، به جای طرح و نقشه

بوش در مدرسه جنگ پنسیلوانیا در مقابل حدود ۴۵۰ تن از افسران ارتش آمریکا گفت: "عراق جبهه مرکزی در جنگ علیه ترور به شمار می‌رود. موفقیت‌هایی که آمریکا در رضایت‌مندی

و دموکراتیزه کردن این کشور عربی به دست آورده است، ضربه‌ای قاطع علیه تروریسم آن هم در قلب قدرتش می‌باشد."

نویسنده معتقد است رئیس‌جمهور بوش می‌خواهد هموطنان خود را متقاعد سازد که طرحی برای تفویض قدرت و سرانجام خروج از عراق در دست تهیه دارد. اما در آمارگیری و پخش نتایج آن در روز دوشنبه که در دانشگاه پنسیلوانیا صورت گرفته است، ۶۴ درصد آمریکاییان معتقدند که دولت بوش فاقد چنین طرحی است.

اخبار ناگوار از مناطق بحرانی در عراق همانند "فلوجه" و یا "کربلا" به محبوبیت عمومی بوش لطمه زده است. در نظرسنجی به عمل آمده از سوی فرستنده تلویزیونی سی.بی.اس، فقط ۴۱ درصد آمریکاییان معتقدند که رئیس‌جمهور کار خود را به خوبی انجام می‌دهد و این بدترین نتیجه‌گیری برای وی شمرده می‌شود. بوش در نطقش در پنسیلوانیا اشاره به یک استراتژی جامع پنج نکته‌ای می‌کند:

۱. ایجاد یک دولت مستقل
۲. تأمین امنیت عراق
۳. برقراری زیربنای اقتصادی
۴. به دست آوردن حمایت‌های

بین‌المللی بیشتر

۵. سازماندهی برای انتخابات آزاد
- آنتونی زینی - ژنرال نیروی دریایی - در برنامه‌ای موسوم به برنامه "۶۰ دقیقه" در کانال سی.بی.اس از تعداد کم نیروها از همان ابتدای جنگ انتقاد کرد و در این رابطه از "تاجپزشمردن وظیفه" سخن گفت و به شدت به رئیس‌جمهور بوش حمله کرد.

منبع: اشپیکل، ۲۶ می ۲۰۰۴  
(۶ خرداد ۱۳۸۳)

نویسنده: توماس هیلن براند

## دردسرافرینی تهران

... مایکل لدین می‌گوید: به گمان من، دست اهریمنی ایران را می‌توان در رشد اشخاصی چون ابومصعب الزرقاوی مشاهده کرد...  
ما [آمریکا] از هر طرف با مدارک و شواهدی احاطه شده‌ایم که می‌بایست عامل محرکه استراتژی ما در خاورمیانه باشد. جنگ در عراق بخشی از مبارزه گسترده ماست و ما در این جنگ موفق نمی‌شویم مگر این که اربابان ترور را که جنگ تروریستی در عراق را با تأمین مالی، تسلیحاتی و آموزشی هدایت می‌کنند شکست دهیم.  
... علت شکست اطلاعاتی ما [آمریکا] تکذیب آشکارترین حقایق درباره جهان است. شکست ما هم



مادین آلبرایت

## عراق شیعی ایرانی، هرگز!

**گفت‌وگویی رئیس‌جمهور بوش با نشریه عراقی الزمان**  
رئیس‌جمهور آمریکا درباره شکل و ماهیت نظام حکومت آینده عراق ابراز عقیده کرد: "ممکن نیست یک دولت شیعه مذهب در عراق بر سر کار آید که ایران بر آن تسلط داشته باشد."  
بوش در پاسخ به سوالی درباره مقتدی صدر چنین گفت: "می‌دانم که رهبران شیعه به تدریج صبر و تحملشان را از دست می‌دهند و رهبران میانه‌روی عراق باید با مقتدی صدر برخورد کنند، زیرا این شخص به جرایمی متهم است که باید توسط خود عراقی‌ها در دادگاه‌های عراق محاکمه شود."  
رئیس‌جمهور بوش می‌افزاید: در عراق امن نباید شبه‌نظامیان کوچک‌ترین نقشی داشته باشند. باید آرامش برقرار شود ولی آقای صدر سخنرانی‌های تند ابراز می‌کند که با نظریات دیگر رهبران شیعه سازگار نیست و امیدواریم که او به اشغال عتبات مقدسه پایان دهد.

۱. اخیراً آقای بوش گفته است که ارتش عراق باید بهتر تعلیم ببیند تا بتواند امنیت را در کشور تضمین کند، اما مگر ارتش آمریکا در تمام این مدت مشغول آموزش ارتش نوبنیاد عراق نبوده است؟  
۲. درحالی‌که بوش درباره بازسازی صحبت کرده و از آن سخن گفته که دیگر کشورها باید حمایت خود را از عراق تضمین کنند تا عراق به سرعت سروسامان بگیرد، اما درواقع شاهد هیچ چیز همانند و مشابه این نیستیم.  
۳. درحالی‌که بوش صحبت از این کرده بود که دیگر کشورها نیروهایی به منطقه اعزام کنند، اما من هرگز آمادگی‌ای در این زمینه ندیده‌ام و حتی تعداد نیروها نیز کمتر شده است.  
۴. و سرانجام درحالی‌که او اعلام کرده است که آمریکا می‌تواند به آسانی قطعنامه‌ای از سازمان ملل را به جریان اندازد، اما در این مورد نیز من چیزهای دیگری شنیده‌ام.

منبع: دی‌ولت، ۲۷ می ۲۰۰۴  
(۷ خرداد ۱۳۸۳)

نویسنده: ناتان گاردلس

منبع: الزمان، ۲۳ می ۲۰۰۴

(۳ خرداد ۱۳۸۳)

گفت‌وگوا: صادق رحیم

## ایتالیا در پی راهبردی برای خروج از عراق

درحالی‌که سیلیویو برلوسکونی در ایتالیا تحت فشار گروه‌های مختلف قرار دارد تا ۲۵۰۰ نفر نیروی نظامی ایتالیایی را از عراق خارج کند، در اظهارنظری اعلام کرد که هیچ برنامه‌ای برای خروج از عراق ندارد.  
فرانکو فرانتینی - وزیر امور خارجه ایتالیا - در یک انتقاد شدید و نادر که در روزنامه کورییره دل‌اسرا به چاپ رسید، از حضور نیروهای آمریکا در شهرهای مقدس انتقاد نموده و

## راهبرد بوش در عراق شکست خورده است

خانم مادلین آلبرایت - وزیر خارجه کلینتون - در مصاحبه‌ای اختصاصی با "دی‌ولت" می‌گوید: چنین به نظر نمی‌رسد که راهبرد شکست‌خورده دولت آمریکا در عراق را بتوان با چیز بهتری جایگزین کرد. وی کمبودهای کنونی در عراق را این‌گونه بیان می‌کند:

درست از همین امر ناشی می‌شود. یعنی خودداری از تدبیراندیشی‌های آشکار برای حفظ شهروندانمان، متحدانمان و منافع ملی‌مان.

منبع: نشنال ریویو، ۱۴ ژوئن ۲۰۰۴

(۲۵ خرداد ۱۳۸۳)

نویسنده: مایکل لدین



خواستار خروج نیروهای امریکا از این شهرها شد تا هرچه سریع‌تر کنترل این شهرها به خود عراقی‌ها واگذار شود.

جیان فرانکوفینی، که رهبری دومین حزب بزرگ در ائتلاف برلوسکونی را برعهده دارد، با اشاره به تلاش‌های ایتالیا برای ایفای نقش سازمان ملل برای برقراری صلح در عراق گفت: "ما در حال تعیین راهبردی برای خروج هستیم."

منبع: واشنگتن پست، ۱۷ می ۲۰۰۴  
(۲۸ اردیبهشت ۱۳۸۳)  
نویسنده: دانیل ویلیامز

### علاوی باید با شورشیان گفت و گو کند

فرید زکریا با تأکید به برقراری هر چه سریع‌تر امنیت در عراق می‌گوید: در صورت عدم برقراری امنیت، روند مثبت به روندی منفی تبدیل خواهد شد، دولت جدید ناکارآمد تلقی شده، بازسازی دچار وقفه خواهد گردید و شبه‌نظامیان افراطی موقعیت‌شان را تحکیم خواهند بخشید. بنابراین در ماه ژانویه، انتخاباتی برگزار نخواهد شد. نتیجه این امر یا "جنگ داخلی در مقیاس محدود" خواهد بود یا "حکومت نظامی" و یا هر دو.

... علاوی در جهت تدابیر سخت گیرانه باید کاری را انجام دهد که امریکاییان حاضر نشدند به آن تن دهند و آن گفت‌وگو با شورشیان است...

زکریا می‌گوید: دولت بوش هرگز حقیقتاً معضل امنیتی عراق را درک نکرد. آنها برای درک این معضل باید ابتدا اشتباهاتشان را بپذیرند که عبارتند از:

الف) اعزام نیروهای اندک به سوی عراق  
ب) دست‌کم گرفتن وسعت شورش و حمایت مردم از شورشیان

از نظر بعضی از دست‌اندرکاران دولت بوش، این پذیرفتنی نیست که عامه مردم عراق به شورشیان کمک کنند. به همین دلیل است که "دونالد رامسفلد" همواره به متعصبان یا اکراه به‌عنوان "گروهی به بن‌بست رسیده" اشاره می‌کرد. زکریا می‌گوید: این درحالی است که مجهزترین و آموزش دیده‌ترین ارتش جهان نتوانسته است این "به بن‌بست رسیده‌ها" را یافته و سرکوب کند؛ کسانی که وسعت عملیات، مهارت و سازماندهی‌شان روزبه‌روز بیشتر می‌شود.

احمد هاشم، استاد دانشگاه جنگ نیروی دریایی امریکا می‌گوید: "تردیدی نیست که شورشیان از حمایت‌های مردمی برخوردارند آنها در محلات گم و گور می‌شوند و مردم هیچ رد یا خبری از آنها به ما نمی‌دهند و اینها همه نشانه‌های گویای حمایت محلی از شورشیان است."

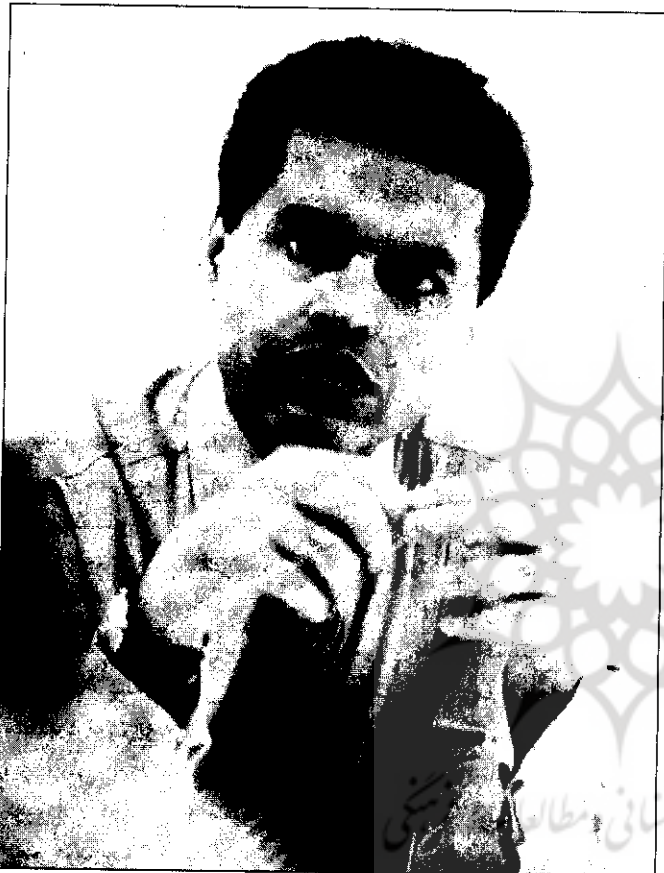
او شورشیان را ترکیبی از بعضی‌ها، اسلام‌گرایان، ملی‌گراها و تعداد قابل توجهی از تروریست‌های خارجی می‌داند. وی در ادامه می‌افزاید آنچه این گروه‌ها را به یکدیگر پیوند می‌دهد ملی‌گرایی و امریکاستیزی است.

... "در آخرین نظرسنجی که توسط تشکیلات موقت ائتلاف انجام شد، فقط ۲ درصد مردم از اشغال عراق حمایت کردند و خود تشکیلات موقت ائتلاف هم فقط از ۸ درصد حمایت مردمی برخوردار می‌باشد."

زکریا می‌نویسد که در آخرین نظرسنجی‌ها پس از "برقراری امنیت" مهم‌ترین مسئله از نظر مردم عراق

"بیکاری"، در مرتبه دوم "فساد" و بعد از آن "اصلاحات سیاسی" می‌باشد.

منبع: نیوزویک، ۵ ژوئیه ۲۰۰۴  
(۱۵ تیر ۱۳۸۳)  
نویسنده: فرید زکریا



فرید زکریا

### نه امنیت، نه دموکراسی

لاری دیاموند یکی از سرشناس‌ترین کارشناسان امریکا در ایجاد دموکراسی - مردی که سال‌ها وقت خود را صرف تحقیق و کمک به کشورهای مختلف از آسیا گرفته تا امریکای جنوبی کرده تا این کشورها دوره گذار را پشت سر بگذارند و خود در چند ماه اخیر با تشکیلات موقت ائتلاف در بغداد همکاری داشته - سه هفته پیش زمانی که پس از گذراندن مرخصی باید

به عراق باز می‌گشت، حاضر به انجام این کار نشد. وی علت اعتراض خود را برای بازگشت به عراق، فقدان امنیت می‌داند.

وی می‌گوید: بدون امنیت، ایجاد دموکراسی غیرممکن است. اگر ما می‌خواهیم نظر مساعد مردم عراق را به دست آوریم، راهبرد آن شفاف است، یعنی ابتدا باید امنیت برقرار شود.

به نظر می‌رسد که عراقی‌ها با این نظر موافق هستند. در نظرسنجی‌ای که در ماه آوریل (از سیزدهم فروردین تا یازدهم اردیبهشت) توسط تشکیلات موقت ائتلاف انجام شد، ۷۰ درصد عراقی‌ها امنیت را مهم‌ترین اولویت ذکر کردند.

نظرسنجی دیگری نشان می‌دهد که مردم بغداد ۴۶ درصد و بصره ۶۵ درصد از مقتدی صدر حمایت می‌کنند. فرید زکریا می‌نویسد: رقم ۶۵ درصد رقم شگفت‌آوری است، زیرا بصره پایگاه جغرافیایی صدر به‌شمار می‌رود.

در منطقه کردنشین، آمریکا اجازه داده است پاکستانی‌های قومی عرب‌ها در منطقه کرکوک انجام شود و در فلوجه نیز ارتش آمریکا موافقت کرده، گروه‌هایی که پیش از سقوط صدام عضو حزب بعث بوده‌اند، اداره شهر را به دست گیرند.

تشکیلات موقت ائتلاف از روی ضعف و شتاب شبه‌نظامیانی را در نیروهای پلیس و ارتش جدید عراق گنجانده است که عمدتاً به گروه‌های مذهبی از قبیل حزب الدعوة و مجلس اعلای انقلاب اسلامی عراق - نهادهایی که گرایش‌های بنیادگرایانه شدیدی دارند - وفادار هستند.

فرید زکریا می‌نویسد: بعضی‌ها در آمریکا معتقدند که انتخابات باید پیش از ژانویه ۲۰۰۵ برگزار شود. درحالی‌که

به این امر نمی‌توان راهبرد دموکراتیزه کردن نام داد، بلکه این راهبرد خروج زود هنگام است که هرگز اثربخش نخواهد بود. برگزاری انتخابات زود هنگام آن هم در شرایط نامساعد امنیتی نتایج روشنی نخواهد داشت و به عبارت دیگر این راه نه به صلح ختم می‌شود و نه به کثرت‌گرایی.

فرید زکریا برای خروج از بن‌بست کنونی پیشنهادهایی مطرح می‌کند که عبارتند از:

الف) تشکیلات موقت ائتلاف باید در درجه اول توجهش را بر کشورسازی معطوف کند. این کشور به یک ارتش حرفه‌ای و نیروی پلیس حرفه‌ای نیاز دارد.

ب) وزارت‌خانه‌ها و دولت عراق به نیروی انسانی بیشتر، پول و اختیارات نیاز دارند.

ج) باید طرح سازمان ملل به منظور ایجاد دولتی موقت - البته از تکنوکرات‌ها، نه سیاستمداران - اجرا گردد.

د) واشنگتن همچنین باید از شورای حکام بخواد تا از تلاش در جهت منحرف ساختن طرح‌های گذار [امریکایی] دست بردارد.

ه) سازمان ملل به نوبه خود باید مهر تأیید بر دولت جدید بزند و از شخصیت‌هایی چون آیت‌الله سیستانی بخواد که از این اقدام حمایت نمایند.

با این اوصاف در چنین حالتی ممکن است در عراق دو اتفاق رخ دهد:

اگر نیروهای داخلی و خارجی عراق دولت ایجاد شده را حمایت کنند تا به قانون اساسی و سپس انتخابات دست یازند، پروژه موفق خواهد بود، ولی اگر عراق به دست گروه‌های سیاسی و شبه‌نظامیان تندرو و یا زیرمجموعه آنها بیفتد، راهی جز جنگ داخلی برای عراق متصور نیست.

منبع: نیوزویک، ۲۴ می ۲۰۰۴  
(۴ خرداد ۱۳۸۳)

نویسنده: فرید زکریا (استراتژیست مشهور امریکا)

## سلاح کشتار جمعی یا مردان کشتار جمعی!

آقای فریدمن در این مقاله می‌نویسد: ما امریکایی‌ها هرچه در عراق گشتیم، سلاح کشتار جمعی نیافتیم، ولی به جای آن مردان کشتار جمعی یافتیم. بین ۵۰ تا ۷۵ حمله انتحاری در طول یک‌سال گذشته انجام شده، که وی اشغال عراق توسط امریکا را سبب گسترش این پدیده می‌داند.

باید دانست ترور آقای سلیم - رئیس دوره‌ای شورای حکام عراق - با حمله انتحاری در منطقه حفاظت‌شده امریکاییان انجام گرفت. این مردان را به‌سادگی نمی‌توان شناخت، هرچند هر از گاهی بخشنامه‌ای منتشر می‌شود که مراقب چه نوع قیافه‌ها و لباس پوشیدن برای جلوگیری از این دست حملات باشند. اینها جوانان خشمگین، فاقد آینده و از لحاظ جنسی سرخورده هستند که به آنها تلقین می‌گردد که "مرگ نوعی رفتن به تعطیلات دائمی است که سرشار از تفریح و لذت است، بی‌آن‌که شخص احساس گناه کند." این عده را از سوریه، اردن، ترکیه یا عربستان سعودی به نقاط مرزی این کشور می‌رسانند، آنگاه هریک به یک بمب انسانی تبدیل خواهند شد.

در پایان، فریدمن می‌گوید لازم است که امریکا هر چه سریع‌تر عراق را ترک نماید و امنیت و اقتدار را به خود عراقی‌ها واگذار کند تا آنها را با هوشیاری و دقت بیشتر راز این "مردان

کشتار جمعی" را بگشایند و ریشه این نوع حملات در عراق خشکانده شود.

منبع: نیویورک تایمز، ۲۳ می ۲۰۰۴  
(۳ خرداد ۱۳۸۳)

نویسنده: توماس ال، فریدمن

## استبداد اقلیت تندرو یا حضور اکثریت خاموش

روز سه‌شنبه ۱۲ اردیبهشت ۱۳۸۳ در غزه، جنگی رخ داد که پدیده تازه‌ای بود. در این جنگ عده‌ای از سربازان جوان یکی از یگان‌های ارتش اسرائیل به نام "گی واتی" کشته شدند. از شروع انتفاضه دوم یعنی سپتامبر ۲۰۰۰ تا ماه می، آن تعداد از سربازان اسرائیل که کشته می‌شدند یا قربانیان جنون عرفات بودند یا تندروهای حماس، ولی در روز سه‌شنبه ۱۲ اردیبهشت سربازان اسرائیل صرفاً قربانی ماجراجویی شهرک‌نشینان اسرائیل در غزه بودند. تعداد این شهرک‌نشینان یهودی ۷۵۰۰ نفر است که ۳۵ درصد مساحت غزه را به خود اختصاص داده‌اند، درحالی‌که یک میلیون و سیصد هزار نفر از جمعیت فلسطینی غزه به‌طور متراکمی در ۶۵ درصد باقی‌مانده زندگی می‌کنند.

درحالی‌که اکثریت خاموش شهروندان اسرائیلی خواهان تخلیه غزه هستند، ولی این اقلیت ماجراجوی شهرک‌نشین، اکثریت خاموش را به دنبال خود می‌کشاند. حزب لیکود با الهام از این اقلیت متعصب، مخالف تخلیه غزه بودند و اینک آریل شارون که از یک سو خود را قیم شهرک‌نشینان می‌داند و از سوی دیگر باید به آرای اکثریت خاموش توجه کند، در برابر یک نقطه عطف تاریخی قرار گرفته است.

به طوری‌که یکی از وزرای کابینه

شارون و عضو لیکود به نام "مایوشریت" به شارون گفته است: "شما یا تاریخ را می‌سازید و یا به تاریخ خواهید پیوست."

فریدمن معتقد است که اسرائیل کشوری است دموکراتیک، اکثریت خاموش آن هم اکنون در خیابان‌ها دست به تظاهرات زده و شعار "تنها اکثریت تصمیم می‌گیرد" می‌دهند.

فریدمن با الهام از این نقطه عطف در اسرائیل می‌افزاید: "این پدیده باید در عراق نیز جاری و ساری شود و اکثریت خاموش باید علیه تندروی‌های مقتدی صدر بسیج شوند. در این صورت است که عراق مانند اسرائیل دموکراتیک خواهد شد."

وی به حادثه ۲۲ اردیبهشت نجف اشاره می‌کند که ده‌هزار نفر از شیعیان علیه مقتدی صدر تظاهرات کردند و خواستار خروج او از نجف بودند. وی می‌گوید این پدیده به معنای حضور فعال اکثریت تاکنون خاموش در جامعه عراق است.

منبع: نیویورک تایمز، ۱۶ می ۲۰۰۴  
(۲۷ اردیبهشت ۱۳۸۳)  
نویسنده: توماس ال. فریدمن

و متحدانشان شده‌اند.

روسیه فرصت را مغتنم می‌شمرد که با توجه به رسوایی زندان ابوغریب بغداد از یک سو روحیه امپریالیستی امریکایی‌ها را زنده و افشا کند و از سوی دیگر برای اولین بار پای میز مذاکره بر سر تقسیم جهان با امریکا پس از فروپاشی شوروی بنشیند.

وزارت خارجه روسیه با یک دیپلماسی فعال طرحی به نام "چتر دفاعی" برای تصویب در سازمان ملل تهیه نموده تا با عقب‌نشینی مقتضحانه امریکا، عراق را سامان دهد. گفتنی است که روس‌ها با بی‌اعتمادی به امریکایی‌ها می‌نگرند؛ تروینتفک - معاون اول وزیر خارجه روسیه - در این باره می‌گوید: "امریکایی‌ها به ما گفتند هنگامی که جریان افغانستان به پایان برسد خواهند رفت، اما آنها چنین نکردند."

منبع: اشپیگل، ۱۶ می ۲۰۰۴  
(۲۷ اردیبهشت ۱۳۸۳)  
نویسنده: یورگ. آر. متکه

رسیدگی به مسائل زندان ابوغریب شد. طبق نوشته‌های مستند "سربازان امریکایی از وجود سگ‌های تعلیم‌دیده ارتش جهت ترساندن و مرعوب کردن بازداشت‌شدگان استفاده کردند. آنها برای این منظور سگ‌ها را به حرکاتی واداشتند که از تهدید به حمله حکایت می‌کرد و در یک مورد نیز یکی از آن سگ‌ها، بدن یکی از بازداشت‌شدگان را گاز گرفت."

تصمیم یک سرباز به دادن عکس‌هایی حاکی از اعمال جنسی تحقیرآمیز و بدرفتاری با زندانیان به مأموران تحقیق در ارتش، عاملی بود که تاگوبا مصمم به تهیه چنین گزارشی شود. در



افشای شکنجه؛ زنجیره فرماندهی از ابتدای سال جاری یعنی ژانویه ۲۰۰۴ (زمستان ۱۳۸۲) خبرهای شکنجه‌ها به دونالد رامسفلد گزارش شده بود، ولی وی این خبرها را به امید خبرهای بیروزی مسکوت گذارده بود. همچنین از این قضایا ژنرال سانچز و ژنرال جان ابی زید مطلع بودند. به همین دلیل بین او و ژنرال‌های مستقر در عراق گسستی در ایجاد رابطه به وجود آمد. امریکا به دلیل همین "انقطاع و عدم ارائه گزارش‌ها، ضربات جنگی بی‌شماری متحمل شد. این مطالب گوشه‌ای از گزارش تکان‌دهنده سرتیپ آنتونیو تاگوبا است. وی از جانب اداره اطلاعات ارتش، مأمور

### شادی روس‌ها از گرفتاری امریکا در عراق

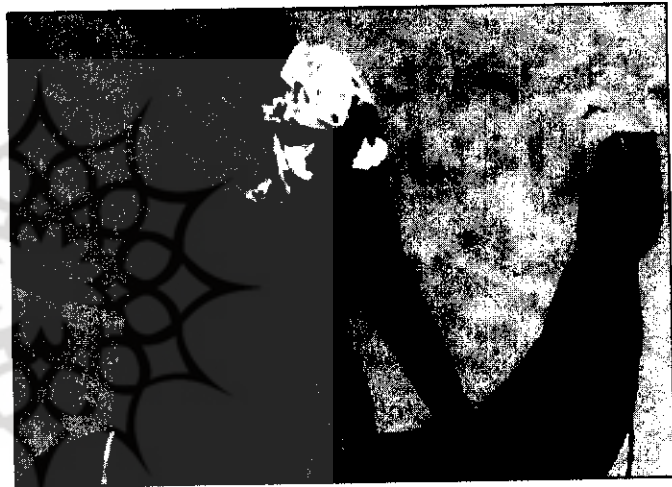
پس از شکست ارتش روسیه در افغانستان و پس از فروپاشی شوروی، این بار روسیه از زمین‌گیر شدن ارتش امریکا در عراق بسیار خوشحال است. به طوری که قلب رأی‌دهندگان روسی برای شورشیان عراقی می‌تپد. در یک نظرخواهی از سوی مرکز تجزیه و تحلیل "جامعه‌شناسی یوری لوادا" نشان می‌دهد که ۴۶ درصد مردم خواهان پیروزی شورشیان بودند و فقط ۷ درصد از آنها خواستار پیروزی امریکا

قسمتی دیگر از گزارش تاگوبا آمده است که افسران اطلاعاتی، پلیس نظامی زندان را مجبور می‌کردند که زندانیان را بیدار نگاه دارند. [شکنجه بی‌خوابی]

لو رفتن عکس‌های شکنجه در زندان ابوغریب اتفاقی نبود، بلکه در بین نیروهای ارتش اراده‌ای یافت می‌شد که بازجویی از زندانیان عراقی را مخدوش نشان دهند. بعضی از این عکس‌برداری‌ها برای این بود که بعد از اعدام متهم، عکس‌ها را به فروش برسانند و به درآمد زیادی دست یابند. انتشار عکس‌های شکنجه در کامپیوتر

سربازان امریکایی باعث می شود که این عکس ها به دست مأموران تحقیق بیفتد. برای نخستین بار عکس های فجایع زندان ابوغریب در برنامه "۶۰ دقیقه" (کانال دو سی.بی.اس) در روز ۲۸ آوریل پخش شد.

رامسفلد در یک کنفرانس خبری در پاسخ به این پرسش که آیا از نظر او عکس ها و گزارش های رسیده از ابوغریب، شکستی برای سیاست امریکا در عراق به شمار می رود یا خیر گفت: "من صلاحیت آن را ندارم که تاریخ را در چند کلمه خلاصه کنم و بر



صفحات تاریخ گذشته به سرعت بیفزایم.

اگر چه ژنرال راید که از طرف ژنرال سانچز مأمور تحقیق شکنجه ها شده بود، برای حراست از جان خود گزارش محافظه کارانه ای ارائه کرد، ولی تاگوبا چنین کاری نکرد. بنابراین وی را در برخی محافل پنتاگون یک قهرمان تلقی نمی کنند. یک ژنرال بازنشسته ارتش این نکته را درباره تاگوبا بیان نموده است: "او کسی است که سوت خطر را به صدا درآورد و ارتش تاوان درستی و راست کرداری او را خواهد پرداخت، چرا که اعضای هیئت حاکمه دوست ندارند برای مردم خبرهای بد و

ناگوار را آشکار سازند."

منبع: نیویورکر، ۱۷ می ۲۰۰۴

(۲۸ اردیبهشت ۱۳۸۳)

نویسنده: سیمور ام. هرش

### چرا ایاد علاوی؟

علاوی در سال ۱۹۴۵ از پدری شیعه مذهب یغدادی و مادری شیعه مذهب لبنانی به دنیا آمد. وی عضو حزب بعث عراق بود و در سال ۱۹۷۸ مورد سوء قصد نافرجام عوامل اطلاعاتی عراق قرار گرفت. وی که برای ادامه تحصیل و گرفتن مدرک دکترا عازم انگلستان شده بود، با دستگاه های دولت امریکا به ویژه سیا و وزارت خاف (وزارت اطلاعات و امنیت عراق) و سازمان اطلاعاتی انگلستان (MI.۶) ارتباط داشته است. در سال ۱۹۹۰ "جنش وفاق ملی عراق" را پایه گذاری کرد و روزنامه "المستقبل" را راه انداخت. وی سعی داشته که با مخالفان صدام و بعثی ها ارتباط داشته باشد. او سه سال در اردن اقامت داشت تا بتواند با اپوزیسیون عراق از نزدیک رابطه برقرار کند. وی از آنجا که بعثی بوده، سمبل اتحاد سنی و شیعه شده است و سعی دارد سوسیالیزم را با لیبرالیزم درهم آمیزد. وی شیعه نادین محور (سکولار) بوده و با کشورهای مصر، اردن و امارات ارتباط نزدیک دارد. پس از حمله امریکا به عراق، وی با انحلال حزب بعث و ارتش عراق مخالف بود و همچنین در اعتراض به سرکوب نظامی فلوجه از ریاست کمیته امنیتی در شورای حکام استعفا داد. این موضع گیری، او را در بین مردم عراق محبوب نموده است. و اما نقاط تاریک گذشته علاوی:

الف) ناسیونالیست های عراق او را

دست نشانده ائتلاف می دانند.

ب) جنبش وفاق ملی مورد حمایت سازمان سیا بوده از این رو او را مزدور امریکا تلقی می کنند. همچنین همکاری او با سازمان اطلاعاتی صدام و همکاری های طولانی وی با سیا و (MI.۶) باعث تقویت این دیدگاه شده است.

ج) وی همان شخصی است که پیش از جنگ معتقد بود که صدام کلاهک های اتمی دارد که ظرف ۴۵ دقیقه عمل می کنند.

گزینه های مسلح ۲. نیروهای امنیتی و جدید وی هیچ گونه نظارتی بر ۱. اطلاع سازمان ملل بوده است. دولت نیروهایی مسلح ۲. دارایی ها و ثروت های عراق نداشته، بنابراین انتقال قدرت کاملاً صوری و نمایشی بوده است. از آنجا که علاوی بعثی بوده، بنابراین در وهله نخست نمی تواند بعثی ها را ریشه کن کند. دوم آن که چون از نظر او انحلال حزب بعث و ارتش عراق از جانب نیروهای ائتلاف اشتباه بوده، بنابراین بعثی ها و ارتشی ها برای مقاومت انگیزه مند خواهند شد و در پی حقوق های از دست رفته خود به صف شورشگران می پیوندند.

چون گزینه علاوی از جانب امریکا بوده، می توان گفت که امریکا نمی خواهد سازمان ملل نقش مخوری ایفا نماید، چنانچه سازمان ملل از این بابت شگفت زده شده است. به طوری که فرد اکهارت - سخنگوی رسمی دبیرکل سازمان ملل متحد - اظهار داشت که: "براهیمی در جلسه انتخاب علاوی حضور نداشته است، ولی او به گزینه علاوی از سوی شورای حکومتی احترام می گذارد." از آنجا که علاوی با سیا و

وزارت خارجه همکاری می‌کرده، انتخاب او بیانگر این واقعیت است که نقش پنتاگون و چلبی ضعیف گردیده، به خصوص که بعد از مقاومت‌های عراقی‌ها و افشای شکنجه در زندان‌ها نقش پنتاگون ضعیف شده بود. همچنین این انتخاب می‌تواند نشان‌دهنده شدت فعالیت سیاسی و اطلاعاتی گسترده آمریکا در عراق در مقابل افت فعالیت‌های نظامی باشد.

منبع: اخبار الخليج، ۶ ژوئن ۲۰۰۴  
(۱۷ خرداد ۱۳۸۳)  
(از مرکز مطالعات راهبردی خلیج)

### محاكمه صدام؛ رام شدن سران عرب در برابر آمریکا و یا دوری از شیوه استبدادی

فیصل الكاظم - مجری شبکه تلویزیونی الجزیره - پیرامون دادگاه صدام می‌گوید: این احساس حاکم است که صدام نه به‌خاطر رفتارش علیه مردم عراق، بلکه به این خاطر سرنگون و محاکمه شد که در مقابل امریکایی‌ها کوتاه نیامده است.

... وی در ادامه می‌گوید: در بین مردم جهان عرب شکاف بزرگی ایجاد شده؛ از یک سو دوست دارند صدام را در دادگاه ببینند و اما از سوی دیگر از این که او در آنجا تحقیر می‌شود، متأسف می‌شوند...

الکاظم می‌گوید: بسیاری معتقدند این دادگاه ممکن است بر رهبران جهان عرب این‌گونه تأثیر بگذارد که از جاه‌طلبی‌های مستبدانه خود دست بردارند و به حقوق بشر توجه نمایند و دموکراسی را پیش ببرند. اما از سوی دیگر این امر نیز امکان بیشتری دارد که رهبران عرب به سادگی تحت فشار

امریکا به خواسته آنها تن دهند.  
منبع: دی ولت، ۳ ژوئیه ۲۰۰۴  
(۱۳ تیر ۱۳۸۳)  
نویسنده: مارینا کوشن

### قدرت‌مندی ایران در رهبری سیاسی عراق

گفته می‌شود ایران پیش از سقوط صدام حضورش را در عراق از طریق پشتیبانی مالی از طیف‌های مختلفی از گروه‌های مسلمان شیعه و وارد کردن نیروهای اطلاعاتی تحکیم بخشیده است.

نویسنده معتقد است بیشترین نگرانی امریکایی‌ها رابطه نزدیک ایران با روحانی شیعه آیت‌الله العظمی علی سیستانی و مقتدی صدر می‌باشد.

با آن که شیعیان ایران و عراق جزو اکثریت هر دو کشور شمرده می‌شوند، اما عراقی‌ها در تضاد میان پای‌بندی دینی و ملی گرفتار آمده‌اند. بعضی‌ها هشدار می‌دهند درحالی که عراق به سوی برگزاری انتخابات پیش می‌رود، ممکن است ایران یک دلال قدرت خاموش باشد. یک دیپلمات غربی در بغداد که تجربه زیادی در امور منطقه دارد گفت: "ایرانیان خواستار آن‌اند که آمریکا در عراق شکست بخورد، ولی امیدوارند که عراق آن قدر صاحب ثبات شود که باعث بی‌ثباتی ایران نگردد." او در ادامه اظهار داشت: "اوضاع عراق از نگاه ایرانیان این‌گونه ثبات پیدا می‌کند که یک دولت شیعه دوست و مخالف کامل با نیروهای اشغالگر در عراق روی کار آید."

اما نویسنده معتقد است که از دیرباز یکی از نگرانی‌ها آن بوده که شیعیان در عراق قدرت را به دست گرفته و تحت نفوذ ایرانیان قرار گیرند. این

یکی از دلایلی است که آمریکا از قیام شیعیان به دنبال جنگ ۱۹۹۱ خلیج فارس (پس از اشغال کویت) حمایت نکرد.

یک نظرسنجی که در ماه می (۱۲ اردیبهشت تا ۱۲ خرداد) برای تشکیلات موقت ائتلاف انجام گرفت، حاکی از آن بود که رهبران سیاسی - دینی که با ایرانیان ارتباط مستحکمی دارند، از محبوبیت بالایی برخوردار می‌باشند. نویسنده می‌گوید: "با آن که احزاب عراقی بارها عنوان کرده‌اند که مستقل از ایران هستند، اما خاطر نشان می‌سازند که ایران، تنها کشوری بود که در دوران تبعید به آنها پناه داد." پس جای تعجب ندارد که روابط آنها با ایران مستحکم باشد. نویسنده در ادامه می‌افزاید که مداخله ایران در عراق چندان بی‌خطر نیست؛ زیرا کشته شدن بیش از نیم میلیون عراقی در جنگ ۸ ساله با ایران، باعث شده که عراقی‌ها هنوز نسبت به ایرانیان کینه داشته باشند و هنگامی که با آنها در مورد بمباران‌ها و ترورها در عراق صحبت می‌شود، پس از محکوم کردن آمریکا و اسرائیل عمال ایران را نیز نکوهش می‌کنند.

همام باقر حمودی، از مقام‌های بلندپایه مجلس اعلاي انقلاب اسلامی عراق، رابطه خودشان با ایرانیان را کم‌اهمیت دانسته و مواضع و دیدگاه‌هایشان را متفاوت می‌داند.

... آقای مقتدی صدر بیعت خود را با آیت‌الله خمینی (ره) کتمان نمی‌کند. ماه گذشته یکی از یاران وی در خطبه‌ای در مسجد کوفه گفت که آقای صدر "با خدا و کشورهای مسلمان عهد بسته است که تا زمانی که زنده است راه [امام] خمینی را ادامه دهد." یکی از متعصب‌ترین واحدهای شبه‌نظامی مقتدی صدر به نام آیت‌الله

خمینی نام‌گذاری شده است.

ژنرال جان باتیسته، فرمانده لشکر اول پیاده نظام آمریکا در شمال عراق گفت: "از زمانی که من اینجا هستم، قطعاً تأثیراتی از سوی ایران را شاهد بوده‌ایم." وی از پرداختن به جزئیات خودداری کرد. یک مقام ارشد امریکایی گفت: "مأموران اطلاعاتی ایران در محدوده این لشکر - که با ایران مرز مشترک طولانی دارد - فعالیت می‌کنند."

ژنرال جان باتیسته گفت: "ایران نیروی برتر منطقه است. آنها سعی دارند زمینه را برای به قدرت رسیدن شیعیان فراهم کنند."

منبع: نیویورک تایمز، ۳ ژوئیه ۲۰۰۴  
(۱۳ تیر ۱۳۸۳)  
نویسنده: ادوارد وانگ

### آیا بوش گلوی عراق را می‌فشارد یا...؟

مخاطب اصلی "جایگزینی برمر با علاوی" در درجه نخست، افکار عمومی امریکایی است که به آنها اجازه داده نخواهد شد - حداقل در آینده نزدیک - بدانند که چه بهای سنگینی برای سرنگونی عراق (نابودی کشور عراق و کشته شدن بیش از ۷۰۰ امریکایی پس از اعلام رسمی پایان جنگ) پرداخت شده و چگونه حاکمیت به عراقی‌ها واگذار می‌شود. درحالی که امریکایی‌ها کاملاً از سین (صحنه) پایین می‌آیند تا کشور آنها را از پشت پرده اداره کنند.

... روند انتقال قدرت در عراق، هیچ‌کس را در جهان عرب فریب نمی‌دهد، زیرا آنها می‌دانند که واگذاری قدرت چیزی جز یک "نمایش، با کارگردانی بد" شده نیست و سناریوی

بازگرداندن حاکمیت، تنها عنوانی برای مصرف تبلیغاتی و سیاسی است که به هزار دلیل دروغ است. دلیل آن این است که سرنوشت عراق و آینده سیاسی آن همچنان توسط امریکایی‌ها - خواه از طریق سفارت خویش یا از طریق رایزن‌هایی که قرار شده در تمام وزارتخانه‌های عراق گمارده شوند، یا از طریق تعهداتی که آنها را توافق‌های دیکته‌شده بعدی بین دولت عراق و طرف‌های امریکایی ایجاب می‌کند - رقم خواهد خورد.

... آنچه مسلم است، سیاست امریکا در جهان عرب و اسلام برای نخستین بار عاملی تأثیرگذار در سرنوشت انتخابات ریاست جمهوری امریکا می‌باشد. زیرا در این میحث عرف بر این است که مسائل داخلی اقتصادی در درجه اول و مسائل اجتماعی در درجه دوم، محور رقابت درگیری انتخاباتی می‌باشد.

پس از حادثه ۱۱ سپتامبر، مردم امریکا از اتزوای فرهنگی خودشان خارج شدند و توجه بیشتری به خارج از امریکا پیدا کردند. (نیمی از ملت امریکا و نیمی از اعضای کنگره گذرنامه ندارند و این دلالت بر آن دارد که موضوع تماس با خارج از کشور، هرگز به ذهن آنها خطور نکرده است.)

پس از آن که امریکایی‌ها ده‌ها هزار نیرو به افغانستان و سپس عراق اعزام کردند و در درگیری‌ها صدها نفر از آنها کشته و هزاران نفر مجروح و مصدوم شدند، توجه مردم امریکا به منطقه دوچندان شد. از آن پس، سیاست خارجی برگ مهمی در انتخابات ریاست جمهوری به‌شمار آمد.

روند معکوس هنوز در تعقیب رئیس‌جمهور بوش و همکاران او می‌باشد. دموکرات‌ها و مخالفان بوش

با استفاده از رسوایی زندان ابوغریب به سمت جناح مخالف آتش گشودند و مطبوعات در افشای جزئیات که نشان داد شکنجه در زندان، نه اشتباه که اجرای دستورات مقامات بالا بوده است شرکت کردند. این رسوایی دامن وزیر دفاع و رئیس ستاد را گرفت. این حوادث به نوبه خود پرونده‌های دیگری را در افغانستان و گوانتانامو گشود.

کمیته تحقیق در حملات ۱۱ سپتامبر، خط بطلانی بر ادعای بوش و همکارانش مبنی بر رابطه میان شبکه القاعده و رژیم صدام حسین کشید. پس از این نیز فرضیه مالکیت عراق بر سلاح‌های کشتار جمعی مطرح شد که آن هم دروغی دیگر بود و در نتیجه سیاست بوش بی‌اعتبار شد و وی به دروغ‌گویی متهم گردید. اتهامی که خیلی‌ها به او نسبت دادند، از جمله آخرین آن؛ ال‌گور معاون رئیس‌جمهور سابق.

طبیعی بود که پس از این میزان محبوبیت بوش کاسته شود و اعتماد نسبت به سیاست او نیز کم‌رنگ گردد. به طوری که در نظرخواهی اواخر هفته گذشته روزنامه "یو.اس. ای. تودی" (U.S.A. Today) و شبکه "سی.ان.ان" (C.N.N) فاش ساختند که ۵۴ درصد امریکایی‌ها اعزام نیرو به عراق را اشتباه دانستند. این در حالی است که سه هفته پیش این میزان ۴۸ درصد بود.

وضعیت عراق به گونه‌ای نیست که این اطمینان را برانگیزد که تا انتخابات ریاست جمهوری امریکا به ثبات و آرامش دست یابد. اخبار و گزارش‌ها از عراق حاکی از آن است که این سرزمین پر از مین‌هایی است که هر لحظه ممکن است منفجر شوند، به همین علت نه فقط امکانی برای

برقراری امنیت و ثبات در این کشور وجود نخواهد داشت، بلکه ممکن است امکانی برای بهره‌برداری از برگ عراق به نفع انتخابات ریاست جمهوری بوش وجود نداشته باشد.

برخی معتقدند که سرنوشت منطقه به تصمیم‌گیری امریکا بستگی دارد (۹۹ درصد برگ‌های برنده در دست واشنگتن است) با این حال نمی‌توانیم به راحتی از این مسئله بگذریم که سرنوشت خود تصمیم‌گیرنده امریکایی به کنش و واکنش‌های موجود در منطقه و پیامدهای آن بستگی دارد و این پدیده این پرسش را مطرح می‌سازد که:

"حقیقتاً چه کسی گلوی چه کسی را می‌فشارد؟! بوش گلوی عراق را یا عراق گلوی بوش را؟"

منبع: الشرق الاوسط، ۲۹ ژوئن ۲۰۰۴ (۹ تیر ۱۳۸۳)

نویسنده: فهیمی هویدی

### اشتباه پشت اشتباه

مطالب زیر روح‌یابی و کوتاه‌سازی پاسخ‌های علامه شیخ محمدحسین فضل‌الله به پرسش‌های آرلین گتز از نیوزویک می‌باشد. فضل‌الله یکی از برجسته‌ترین مراجع صاحب صلاحیت مذهبی لبنان می‌باشد و به‌عنوان رهبر معنوی حزب‌الله طرفداران گسترده‌ای در میان مردم دارد.

فضل‌الله، با رد این مطلب که مقتدی صدر قصد ایجاد آشوب و خشونت در عراق را دارد، معتقد است روش‌های پل برمر باعث شد که صدر دست به مقاومت مسلحانه بزند. بنابراین خشونت صدر را یک واکنش تلقی می‌کند، نه یک اقدام اولیه. وی می‌افزاید: "ما امریکا را کشوری تلقی

می‌کنیم که می‌تواند اشغال کند، اما نمی‌داند چگونه اداره کند. اگر امریکا کشور را به دست سازمان ملل بدهد، در مجموع خوب است و مبارزه مسلحانه از بین خواهد رفت... شکنجه زندان ابوغریب که در تصاویر رسانه‌ها آمده بدترین نوع شکنجه نیست، بلکه بدترین نوع شکنجه، اشغال است که شکنجه کل ملت است." فضل‌الله می‌گوید: "ما ملت امریکا را دوست داریم، ولی با دولت امریکا مشکل داریم. رامسفلد وزیر دفاع و بوش فرمانده کل نیروهای مسلح باید به خاطر اشغال عراق و شکنجه در زندان‌ها استعفا بدهند. حتی بوش پیش از انتخابات ریاست جمهوری باید به روان‌پزشک مراجعه کند، این در حالی است که ما به بیمارها احترام می‌گذاریم. قابل توجه است که حامیان بوش در حال حاضر نومحافظه‌کاران، مسیحیان انجیلی، یهودیان متنفذ و کارتل‌هایی‌اند که از دولت بوش تنها برای ثروتمندتر شدن سود می‌برند."

فضل‌الله اشتباه بوش و شارون را این می‌داند که ملت فلسطین را که برای استقلال مقاومت می‌کنند تروریست می‌نامند. در این راستاست که خشونت توجیه می‌شود و با فانتوم اف - ۱۶ و راکت به‌جای یک فرد، خانواده، گروه و حتی محله‌ای را به خون می‌کشند، آن‌گاه است که فلسطینی‌ها از موضع یأس و ناامیدی خود را بمب انسانی می‌کنند، از جان خود می‌گذرند و با اسراییل درگیر می‌شوند.

وی در پاسخ به علت گسترش سریع دین اسلام در جهان این‌گونه می‌گوید: "اسلام مذهبی است که خردورزی، نیروی عقلانی و همه نوع علوم را باور دارد. خرد و علم، عامل تمدن هستند. این مذهب به زور خود را بر دیگران

تحویل نمی‌کند. اسلام به خشونت اعتقادی ندارد، مگر آن که خشونت از بیرون به مسلمان‌ها تحمیل شود.

منبع: وب سایت نیوزویک، ۱۲ می ۲۰۰۴ (۱۲ اردیبهشت ۱۳۸۳)  
نویسنده: ارلین گتر

### اکاذیب در ابتدای جنگ

نویسنده مقاله براساس گفته‌های آقای ملوین گودمن، کارشناس سابق سیا در مسائل اتحاد جماهیر شوروی (۱۳۶۹ تا ۱۳۷۵)، معتقد است که جنگ امریکا علیه عراق بر مبنای اسناد جمعی کاخ سفید و پنتاگون بوده است. ملوین گودمن فرار است که از یک سرباز نیکارگفته‌ای فراری از جنگ در عراق، در دادگاه دفاع کند. علت فرار کامیلو مخیا ۲۸ ساله از خدمت این بوده که از دستور فرماندهان خود مبنی بر شکنجه زندانیان زندان الاسد اطاعت ننموده است.

گودمن معتقد است جنگ عراق جنگی غیرعادلانه، غیرقانونی و غیراخلاقی است، وی می‌افزاید: آقای رامسفلد با اسناد جعلی، عراق را با القاعده مرتبط دانست و بنابراین لشکریان امریکایی با هر عراقی بازداشت شده به عنوان تروریست رفتار می‌کنند. بدین سان بدرفتاری‌ها در زندان‌های ابوغریب و الاسد توجیه می‌شود.

منبع: ایل مانیفستو، ۱۵ می ۲۰۰۴ (۲۶ اردیبهشت ۱۳۸۳)  
نویسنده: پاتریسیا لومبروزو

**وکیل فرانسوی صدام، دادگاه ویژه را غیرقانونی اعلام کرد**  
امانوئل ریود، وکیل چهل و نه ساله فرانسوی که از سوی همسر و دختر صدام انتخاب شد، یکی از بیست وکیل بین‌المللی است که از کشورهای امریکا، مصر، اردن و فرانسه عهده‌دار وکالت صدام حسین در دادگاه ویژه عراق شده بودند.

آقای ریود جنگ عراق را "جنگ متجاوزانه و خلاف قطعنامه‌های بین‌المللی" ارزیابی می‌کند، وی اظهار می‌دارد: "بازداشت صدام حسین پایه و اساس قانونی ندارد و دلیلی وجود ندارد که صدام حسین براساس تشریفات غیرقانونی مجازات شود."

آقای ریود در بخش دیگری از صحبت‌های خود می‌گوید: "علت عدم موافقت دولت جورج بوش با ایجاد دادگاه بین‌المللی این است که اگر محاکمه صدام حسین طولانی شود، به احتمال قوی مدارکی به زیان منافع امریکا مطرح خواهد شد. دولت بوش تصمیم دارد با واگذارکردن دادگاه صدام حسین به مردم عراق هر چه سریع‌تر محاکمه را پایان دهد."

منبع: آساهی، ۱۵ می ۲۰۰۴ (۲۶ اردیبهشت ۱۳۸۳)  
نویسنده: سامورا مورا

### در جست‌وجوی خبرچین ایرانی‌ها

تا همین چند هفته گذشته - یعنی پیش از لورفتن خبر کشف رمز ایرانی‌ها توسط امریکایی‌ها - روسای ارشد جاسوسی امریکا می‌توانستند ابراز خوشحالی کنند که چقدر درباره اعمال فوق‌العاده محرمانه و پنهانی تهران آگاهند. آنها رمز ارتباطات محافل داخلی حکومت مذهبی ایران

را در اختیار داشتند. حتی بهتر بگوییم، امریکایی‌ها می‌توانستند به تماس‌های پنهانی و محرمانه ایران با سازمان‌هایی چون حزب‌الله لبنان هم گوش داده و آنها را شنود کنند. در نتیجه بسیاری از مقامات اطلاعاتی امریکا متقاعد شده بودند که این گروه لبنانی با وجود گذشته خود، تهدیدی فوری برای منافع امریکا به حساب نمی‌آید.

منبع: نیوزویک، ۱۴ ژوئن ۲۰۰۴ (۲۵ خرداد ۱۳۸۳)  
نویسنده: مارک هوزنبال

### جنگ عراق و تقویت القاعده

موسسه مطالعات استراتژیک بین‌المللی "IISS" در تحقیقات خود درباره تروریسم بین‌المللی آن‌قدر پیشرفت کرده که حتی می‌گوید: "شبهه ترور اسامه بن‌لادن بر اثر جنگ عراق توانسته بار دیگر قدرت سابق خود را بازیابد. حدود هزارتن از جنگجویان اسلامی به خاک عراق نفوذ کرده و در آنجا با جنگجویان مقاومت محلی همکاری می‌کنند.

این موسسه در بررسی سال‌های ۲۰۰۳ - ۲۰۰۴ به این نتیجه رسیده که سازمان القاعده هنوز در سراسر جهان بیش از یک کادر رهبری فعال و ۱۸ هزارتن جنگجوی بالقوه دارد. براساس برآوردها، این سازمان در بیش از ۶۰ کشور فعال می‌باشد و تهدیدی فزاینده برای تأسیسات غربی به‌وجود می‌آورد، باید روی افزایش تعداد سوءقصد‌ها حساب ویژه‌ای باز شود.

منبع: اشینگل، ۲۶ می ۲۰۰۴ (۶ خرداد ۱۳۸۳)

### تنها شوک درمانی به عراقی‌ها کمک می‌کند

یکی دیگر از دشواری‌ها در بحران عراق این است که براهیمی ۷۰ ساله - نماینده سازمان ملل در عراق - نمی‌تواند یک پیک صلح موفق باشد. او در خلال جنگ داخلی الجزایر که در آن بالغ بر ۱۰۰ هزارنفر کشته شدند، وزیر امورخارجه الجزایر بود. سپس سرنوشت، او را راهی افغانستان زمان طالبان کرد. پس از آن نیز راهی هائیتی، لیبریا و زئیر شد. این فهرست چندان فهرست شوق برانگیزی نیست که بتوان انتظار داشت که در عراق کاری انجام دهد. علاوه بر آن باید گفت که شیعیان و کردها به او اعتماد ندارند، زیرا او یک سنی هوادار اعراب است که به صدام حسین نیز نزدیک بود و چند سال پیش میانجی ملاقات کوفی عنان و صدام شده بود.

نویسنده معتقد است پس از مبارزات طایفه‌ای و قبیله‌ای در عراق، در نهایت همه عراقی‌ها چنین فریاد خواهند زد که "امریکایی‌ها بیرون!" اما در پس درهای بسته این امر این‌گونه خواهد بود. "بیرون اما شما را به خدا قسم، نه به این سرعت." شکی نیست که خطر یک جنگ داخلی وجود دارد. اما این خطر حتی اگر امریکایی‌ها ده سال هم در این کشور بمانند، وجود خواهد داشت، زیرا عراق یک سازه مصنوعی است. مردم در این کشور خود را به طایفه، دین و ملیت خویش پیوند خورده می‌دانند. چیزی به نام عراق، برای آنان مضمونی بسیار انتزاعی است. اگر چیزی باشد که به عراقی‌ها کمک کند، آن نوعی شوک درمانی خواهد بود. امریکایی‌ها باید اطلاع دهند که نیروهای خود را در تاریخ معینی بیرون خواهند برد، در این صورت، عراقی‌ها ناگزیر می‌شوند مسئولیت کشورشان را خود برعهده بگیرند.

منبع: دی ولت، ۲۵ می ۲۰۰۴

(۵ خرداد ۱۳۸۳)

نویسنده: والتر لاکور

### صلح تنها از طریق سازمان ملل متحد برقرار می‌شود

پس از آشکارشدن بدرقتاری‌ها و شکنجه زندانیان عراقی و ایجاد شرایط نامتعادل و وخامت کلی اوضاع در عراق، در برابر این مشکلات، سیاست دولت آمریکا تغییر کرد و بوش اظهار داشت که وی درصدد متعهد کردن سازمان ملل متحد برای حمایت از روند سیاسی ثابت در عراق است.

اخضر براهیمی امکان طرح راه‌های خروج از بحران را به شرح زیر مورد بررسی قرار داد:

(۱) تشکیل یک دولت انتقالی



(۲) انتقال اختیارات اساسی حاکمیت بر سرزمین عراق به این دولت از سی‌ام ژوئن ۲۰۰۴  
(۳) تدارک انتخابات پس از ژانویه ۲۰۰۵

که چهار شرط برای این راه‌حل‌ها ضروری و اجتناب‌ناپذیر است:

(۱) هیچ‌یک از نیروهای سیاسی که از قدرت واقعی در کشور برخوردارند، نباید کاملاً از دولت موقت عراق کنار

گذشته شوند.

(۲) دولت جدید عراق باید منابع اقتصادی و نیروهای امنیتی لازم برای اجرای حاکمیت را در اختیار داشته باشد.

(۳) جریان انتخابات باید نه تنها از نظر سیاسی، بلکه از نظر نظامی از سوی سازمان ملل متحد - که قرار است برای تضمین استقلال، ریاست آن را در اختیار داشته باشد - تحت کنترل قرار بگیرد.

(۴) ماندگاری نیروهای خارجی که حضورشان هنوز پس از سی‌ام ژوئن لازم است باید طبق قوانین جنگ (کتوانسیون ژنو) باشد.

تا یک سال پیش عراق تهدیدی برای امنیت بین‌المللی به‌شمار نمی‌آمد. اما اکنون به‌شمار می‌آید. بازگشت حاکمیت و ثبات عراق، به رهبری سازمان ملل متحد یکی از شرایط اجتناب‌ناپذیر صلح در خاور نزدیک و خاورمیانه است.

منبع: فیگارو، ۲۲ می ۲۰۰۴

(۲ خرداد ۱۳۸۳)

نویسنده: پل کیله

### خروج سریع پل برمر از عراق!

... مسلم است که خروج سریع برمر از عراق نشانه شکست آمریکایی‌ها در عراق می‌باشد. آزادی و امنیتی که آمریکایی‌ها برای عراق در نظر داشتند به‌بار ننشست و برمر و مدیران ائتلاف، اکنون عرصه را خالی می‌کنند تا این امکان فراهم شود که آزادی و امنیت را خود عراقی‌ها برقرار کنند.

... حضور دائم تعداد زیادی از نیروهای خارجی به‌ویژه آمریکایی‌ها، بی‌شک در آینده نیز اشغال‌گری تلقی می‌شود و با آن مبارزه خواهد شد. ... علاوای این شانس را دارد که

عراقی‌ها را در مبارزه علیه بیگانگان به هواداری از خود گردآورد. منظور، آن اسلام‌گرایان متعصب کشورهای دیگر است که می‌خواهند با عملیات ترور، جنگ داخلی راه بیندازند.

... علاوای باید هرچه زودتر خود را از این برجسب که وی جز یک برمر با چهره عراقی نیست رها سازد و به سرعت هر چه تمام‌تر از نیروهای امنیتی مخصوص خود بهره بگیرد؛ نیروهایی که عملکردشان بیانگر سیاست وی باشد. او همچنین باید واکنشگن را متقاعد سازد که با استقرار نیروهای آمریکایی هدف‌های خود را دنبال نکنند و این هدف‌ها را در پس‌زمینه نگه‌دارند. او همچنین باید این توانایی را از خود به اثبات برساند که آن دسته از نیروهای سیاسی که تاکنون از بازی قدرت عموماً تحت فشار آمریکا خارج مانده‌اند یا آگاهانه از شخص وی فاصله گرفته‌اند، وارد حیات سیاسی عراق سازد.

منبع: نوی سورشر سایتونگ، ۲۹ ژوئن ۲۰۰۴ (۹ تیر ۱۳۸۳)

### اعتراض‌هایی در ایران علیه اشغال عراق

حمیدرضا آصفی - سخنگوی وزارت خارجه - رفتارهای اشغالگران در عراق را به شدت محکوم کرد و عنوان نمود جهان اسلام نسبت به این بی‌حرمتی‌ها واکنش نشان خواهد داد. وی در ادامه می‌افزاید: "آمریکایی‌ها و عراقی‌ها دموکراسی و انتخابات آزاد را وعده داده‌اند، اما برای مردم چیزی جز شکنجه و بی‌توجهی به منافع ملی این کشور را به همراه نیاوردند."

آصفی در مورد بی‌نتیجه ماندن میانجی‌گری میان عراقی‌ها و اشغالگران گفت: "نمی‌توان میان اشغالگران و



ملتی که کشورش اشغال شده است، میانجی‌گری کرد.

منبع: تاگس سایتونگ، ۱۸ می ۲۰۰۴  
(۲۹ اردیبهشت ۱۳۸۳)  
نویسنده: بهمن نیرومند

## ارتش امریکا اکنون زمینگیر شده است

نویسنده معتقد است که هیچ یک از سه مأموریت ارتش امریکا که (۱) برقراری صلح (۲) بازسازی زیرساخت‌ها (۳) مبارزه علیه جنگ‌های چریکی بوده است به طور مناسب انجام نشد. آرایش نیروهای ائتلاف در عراق در تاریخ ۱۷ می (۲۷ اردیبهشت ۱۳۸۳) به شرح زیر می‌باشد:

نیروهای غیرامریکایی، در مجموع ۲۶ هزار نفر هستند که بیشترین آنها متعلق به انگلیس یعنی ۱۱ هزار نفر می‌باشند.

نیروهای امریکایی در مجموع کمتر از ۱۴۰ هزار نفر می‌باشند که ۱۲۰ هزار نفر آنها در مقرهای حفاظت شده استقرار دارند. در کنار این، باید ۵۰ پایگاه هوایی و ۲۰ هزار نفر سرباز موجود در آن را در نظر گرفت. تجربه نشان داده است که برای کنترل ۲۰ شهروند عراقی، یک سرباز لازم است و این رقم از تجربه انگلیسی‌ها در ایرلند و همچنین از تجربه جنگ بوسنی به دست آمده است. بنابراین برای دستیابی به چنین توازی، امریکا بایستی ۴۶۰ هزار نیرو در عراق داشته باشد. از سویی ملاحظه می‌کنیم که کل پیاده نظام ارتش امریکا ۴۹۵ هزار نفر می‌باشد که ۳۷۰ هزار نفر آن در خارج از امریکا مستقرند.

ژنرال کوین رایان و جزمی جانسون در ۴ فروردین ۱۳۸۳ در برابر مجلس نمایندگان صحبت از جزئیات مسائل نگران کننده ذخیره‌سازی مهمات فوری کردند، زیرا ذخایر در عملیات عراق به پایان رسیده است.

این ذخایر مهمات عبارت بودند از خودروهای زرهی مانند تانک‌های زرهی، زره‌پوش‌های حمل نیرو، کامیون، خودروهای صحرانورد هام وی و اسلحه و خشاب اسلحه.

دونالد رامسفلد در ابتدا با الهام از نظریه ژنرال بازنشسته امریکا به نام وین داوونینگ قصد داشت در ابتدای جنگ با ۶۰ هزار نیرو به عراق حمله کند، ولی ژنرال‌های در حال خدمت با حمایت کالین پاول پنتاگون را به واقع‌بینی بیشتری وادار کردند که به وضعیت موجود حاضر در آمده، که البته این هم کفایت نمی‌کند. گفتنی است نیروهای موجود امریکا در مقرهای شدیداً حفاظت شده و دور از

## چه کسانی (و چرا) می‌خواهند صدر را از میان بردارند؟

برای رهبران شیعه عراق، سرنوشت صدر - این فرد شورشی - یک مسئله داخلی است که باید توسط قوانین خاص دین اسلام حل گردد و نه توسط سلاح و سربازان امریکایی. آیت‌الله سیستانی هنوز فتوایی علیه او صادر نکرده است، اما تا چنین فتوایی زمانی نمانده است. چند روز پیش نماینده آیت‌الله سیستانی در کویت "مقتدی" می‌جوان را متهم کرد که عمداً مسجد مقدس امام علی (ع) در نجف را هدف قرار داده تا این جرم را به تفنگداران دریایی نسبت دهد. به نظر می‌رسد این بدترین گناهی است که صدر دیر یا



مردم قرار دارند و بنابراین لشکریان موجود از بازدهی کافی برخوردار نیستند. در مجموع چنین به نظر می‌آید که در اثر اشتباهات پنتاگون ارتش امریکا زمینگیر شده است.

منبع: لویون، ۲۰ می ۲۰۰۴  
(۳۱ اردیبهشت ۱۳۸۳)  
نویسنده: ژان گیسئل

زود باید بهای آن را بپردازد.  
منبع: پانوراما، ۲۸ می ۲۰۰۳  
(۸ خرداد ۱۳۸۳)  
نویسنده: پینو بوئن جورنو